

علل وقوع جنگ تحمیلی و عدم پذیرش آتش بس

□ علیمحمد بشارتی

و مفیدی طبع و منتشر شده است، ولی از آنجایی که دانشجویان و جوانان امروز از علت درخواست آتش بس سؤال می‌کنند و بخصوص بسیاری از آنها صادقانه بدنبال این سؤالات هستند که:

۱. چرا کشور در شرایط مناسب‌تر آتش بس را نپذیرفت؟

۲. چرا پس از بازپس‌گیری خرمشهر در عملیات شکوهمند بیت‌المقدس در سوم خرداد ۱۳۶۱، و بازپس‌گیری تمامی اراضی اشغال شده کشورمان، باز هم به جنگ ادامه دادیم؟

۳. چرا با بی‌اعتنایی به درخواستهای سازمان ملل، جنبش غیر متعهدها، کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب و دیگر کشورها، روابط خود را با دنیا تیره کردیم و ادامه این بی‌اعتنایی موجب بی‌اعتنایی دنیا به ما شد که هنوز هم، در آتش آن سیاستهای غیر صحیح می‌سوزیم؟

۴. با شعار جنگ، جنگ تا پیروزی صف

بیست و دو سال پیش در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ هوایماهای جنگنده بمب‌افکن رژیم بعثی عراق با درنوردیدن مرزهای بین‌المللی، به حریم هوایی کشورمان تجاوز کردند و با بمباران فرودگاههای عمده و استراتژیک کشور، عملاً جنگ ناخواسته‌ای را به مدت هشت سال به ملت ما تحمیل کردند.

تلاش داریم تا به حول خداوند سبحان در این مقال به انگیزه‌های شروع جنگ پردازیم، سپس علل مخالفت همه جانبه جمهوری اسلامی ایران را در عدم پذیرش آتش بس مورد مذاقه و بررسی قرار دهیم. نگارنده امید دارد این مقاله بهانه‌ای شود تا صاحب‌نظران، روشنفکران متعهد، دانشجویان، پژوهشگران و بخصوص دست‌اندرکاران امر جنگ، به تجزیه و تحلیل بیشتر جنگ پردازند و بخصوص علت سرسختی مقامات ایران را در رد پیشنهاد آتش بس به نقد بگذارند.

خوشبختانه در این مورد اقدامات بایسته‌ای شده و مقامات و کتابهای اثرگذار



کشته‌ها را طولانی کردیم و خسارت‌های گسترده را عملاً گسترده‌تر نمودیم. سود این شعارها چه بود؟

۵. چرا پیشنهاد‌های سخاوتمندانه بعضی از کشورهای ثروتمند عرب در جهت پرداخت خسارت‌های جنگی را نپذیرفتم و حاضر به گرفتن کمک‌های نجومی آنها در بازسازی مناطق جنگی نشدیم؟

اینها سؤالی‌های امروز نسل جوان ماست. نسلی که جنگ را درک نکرده است و مسایل مربوط به جنگ را بخوبی نمی‌داند. نسلی که عاشق انقلاب، امام و رهبر است اما سؤالات و انتقادهایی هم نسبت به بعضی از عملکردها دارد. نسلی که حق دارد بداند، بفهمد، تجزیه و تحلیل کند. سؤال کند، انتقاد کند، بیشتر مطلع شود و خلاصه از اسرار پشت پرده نیز واقف گردد. نسلی که محترم است و به اعتقاد ما باید از این مسایل مستحضر گردد. در اینجا به طور خلاصه عوامل شروع جنگ را بررسی می‌کنیم.

زمینه‌های جنگ تحمیلی

جنگ تحمیلی پس از آن آغاز گردید که تلاش‌های استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا در شکست انقلاب اسلامی به بن‌بست رسیده بود. آمریکا که همواره از رژیم

شاهنشاهی به عنوان مؤثرترین مهره در منطقه استراتژیک خاورمیانه حمایت سیاسی، اقتصادی، نظامی و تسلیحاتی می‌کرد، نقش زیادی در تبهکاری شاه و در نابودی اقتصاد کشور داشت. آمریکا نمی‌خواست و نمی‌پذیرفت که سیاست تعریف‌شده‌اش در حمایت از شاه به چالش کشیده شود. آمریکا با این استراتژی، شاه را وادار کرد که حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه را که مؤثرترین، نیرومندترین، سازش ناپذیرترین و پرنفوذترین دشمن شاه و دشمن آمریکا بود، از کشور تبعید کند....

آمریکا جهت وابستگی بیشتر کشور به آمریکا، اقتصاد کشور را به نابودی کشاند و کشاورزی کشور را تباہ کرد و کشور را از هر حیث متکی به واردات نمود. به قول رمزی کلارک وزیر اسبق دادگستری آمریکا:

«سیاست آمریکا باعث از بین رفتن کشاورزی ایران و وابستگی این کشور به واردات مواد غذایی شد. حاصل سیاست خارجی آمریکا در ایران، فقر، خشم و زجر کشیدن اکثریت ملت بود.» کلارک در پاسخ سؤال خبرنگار که پرسیده بود که در پاسخ حمایت‌هایی که از شاه کردید شاه برای آمریکا چه کرد گفت: «شاه ۲۵ سال سرویس خوبی به ما داد».



خبرنگار سؤال می‌کند سرویس خوب؟ این شامل کشتن دهها هزار ایرانی در سال آخر حکومتش نیز هست؟ کلارك می‌گوید: «مطمئناً شاه تا جایی که می‌توانست کشت. مخصوصاً در سال ۱۹۷۸ یعنی (۱۳۵۷)....».

این بخش کوچکی از اظهارات مقام آمریکایی در مورد وابستگی شاه به آمریکا و تحمیل نظرات آمریکا به شاه است.

شاه در يك جمله يك عنصر صد درصد آمریکایی بود که کشور را آن طور که آمریکا می‌خواست اداره می‌کرد. هیچکس اجازه نداشت تا، با این سیاستها مخالفت کند. تیرباران و زندانهای مخوف در انتظار کسانی بود که می‌خواستند از وابستگی کشور به آمریکا انتقاد کنند....

آمریکا همه گونه حمایت از شاه کرد تا در قدرت بماند و آنگاه که خشم خروشان ملت، شاه را از اریکه قدرت پایین می‌کشید. شاه به دستور آمریکا به يك کودتای نظامی دست زد. این کودتای نظامی صرفاً جهت پاسداری از منافع آمریکا صورت گرفت. برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر می‌نویسد:

«دو روز جلوتر از این تغییرات، یعنی ۱۲ آبان ماه به دستور و با موافقت کارتر با شاه تلفنی صحبت کردم. من به شاه گفتم که

ایالات متحده آمریکا از شما در بحران کنونی بدون کوچکترین شك و تردید و شرط و شروطی به طور کامل و تمام حمایت می‌کند. شما حمایت تمام و کمال ما را دارید».^۲ اینها بخشهایی از حمایت آشکار کاخ سفید از شاه در کشتار و قتل عام مردم ایران است. یعنی شاه از طرف دولت آمریکا کشور را اداره می‌کرد. بنابراین تمامی تبهکاری‌های شاه حاصل خواسته‌های دولت آمریکا بود.

شخص کارتر نیز طی مصاحبه‌ای رسماً اعلام کرد:

ما در بیانیه‌ای آشکار خود (کارتر و ونس وزیر امور خارجه) پشتیبانی آمریکا از شاه و دولت کنونی را اعلام کرده‌ایم ولی هیچ گونه کنترلی بر تصمیم‌هایی که مردم ایران اتخاذ می‌کنند نداریم.

برژینسکی درباره اهمیت ایران زمان شاه برای آمریکا می‌نویسد:

«ایران بزرگترین شکست دولت کارتر به شمار می‌آید. صرف نظر از موفقیت این کشور در زمینه صلح کمپ دیوید و یا عادی سازی روابط با چین و اتخاذ موضعی استوار در قبال شوروی که همگی آنها نقطه‌های عطف عمده و سازنده‌ای به شمار می‌روند ولی سرنگونی شاه از دیدگاه راهبردی برای ایالت متحده و از نظر سیاسی برای



شخص کارتر فاجعه‌آمیز تلقی می‌شود. شاید آن فاجعه از بعد تاریخی اجتناب ناپذیر بود. بنیادگرایان اسلامی قدرت فوق‌العاده‌ای داشتند. شاید شاه هرگز نمی‌توانست از بیماری بزرگ پنداری خود در نهایت فلج شدن اراده‌اش، رهایی یابد.^۳

پس از آنکه همه این تمهیدات بی‌نتیجه ماند کارتر، ژنرال چهار ستاره هویزر معاون سازمان اتلانتیک شمالی را برای انجام یک کودتای نظامی دیگر به تهران فرستاد. این ژنرال آمریکایی چهل روز در تهران ماند و همه گونه حمایت را از نظامی‌های بی‌روحیه شاه کرد و همه نوع وعده و وعید به آنها داد تا به یک کودتای گسترده و با خونریزی وسیع مبادرت ورزند. اما ارتش شاه در برابر اراده انقلاب و رهبری انقلاب نابود شده بود. چون به قول تیمسار بدره‌ای فرمانده نیروی زمینی که قاعدتاً می‌بایست کار بدست او و همقطاران‌اش انجام شود در عصر روز ۲۲/۱۱/۵۷ فقط ۷۰۰ پرسنل در خدمت ارتش بودند.^۴

سرانجام انقلاب به پیروزی رسید. آمریکا مزورانه انقلاب را برسمیت شناخت شاید این بار که از درب خارج شده بود از پنجره بازگردد و منافع آمریکا را تضمین کند. ولی بیداری و هشیاری رهبری انقلاب مانع



اساسی برای بازگشت آمریکا بود. در چنین فضایی، آمریکا بر روی بحرانهای داخلی و تحریک اقوام و تقویت مخالفین و ارتباط با عناصر تبهکار که فاقد هویت ملی و یا پایگاه مردمی بودند سرمایه‌گذاری کرد.

تمامی بحرانهای سال ۵۷ و ۵۸ تماماً ریشه در سفارت آمریکا داشت. شعارهای غیر قابل درک مانند خلق کرد، خلق عرب، خلق بلوچ، خلق ترکمن همه و همه ناشی از همین سیاست بود. در اینجا به یک سند تاریخی اشاره می‌کنیم:

حزب «اتحاد المسلمین» با رهبری مولوی عبدالعزیز ملازاده به دنبال برپایی یک اجتماع بزرگ مردم در زاهدان قطعنامه‌ای در یازده ماده صادر کرد. بنا به گزارش روزنامه کیهان قسمتی از مفاد این قطعنامه چنین است: «خودمختاری استان سیستان و بلوچستان با حفظ استقلال جمهوری اسلامی در ایران، مذهب رسمی جمهوری اسلامی ایران فقط اسلام باشد. در انتخاب رئیس جمهور و نخست وزیر فقط مسلمان بودن کافی است. احترام و حفظ زبان و فرهنگ مردم منطقه و تدریس فقه اهل سنت در تمام سطوح آموزشی در مناطق سنی نشین. حفظ حرمت خلفاء راشدین، اصحاب و ازواج مطهرات در قانون اساسی منظور گردد.

اختصاص تبلیغات رادیو و تلویزیون برای مردم منطقه با جلوگیری از هر نوع سانسور و تحمیل عقیده از مرکز یا گروه‌های دیگر که مخالف با اصول و عقاید مردم منطقه باشد.^۵ این اعلامیه در تاریخ ۱۵/۱/۵۸ صادر شده بود یعنی در روزی که حدوداً ۵۰ روز از پیروزی انقلاب می‌گذشت. گستاخی گروه‌ها و گروهک‌ها را می‌توان از همین يك اطلاعیه فهمید و تمام خواهی و زیاده‌طلبی تحریک‌شدگان را یافت و در فضای اوایل انقلاب قرار گرفت.

در همان روز قاسملو دبیرکل حزب منحله دمکرات طی دیداری با مهندس بازرگان نخست‌وزیر خواسته‌های خلق کرد!! را با ایشان در میان گذاشت.

به نوشته روزنامه کیهان قاسملو از نخست‌وزیر خواست که به منظور گنجاندن خواسته‌های خلق کرد در قانون اساسی، نماینده مردم کردستان در تدوین قانون اساسی جدید شرکت نماید.^۶

خواسته‌های قاسملو و همکارانش نیز مشابهت بسیاری با خواسته‌های مولوی عبدالعزیز داشت.

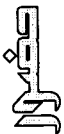
خبرگزاری عراق در همین امروز گزارش

داد:

انور سادات رئیس جمهوری مصر، عناصر

□ جنگ تحمیلی پس از آن آغاز گردید که تلاش‌های استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا در شکست انقلاب اسلامی به بن‌بست رسیده بود

□ آمریکا به روی بحرانهای داخلی و تحریک اقوام و تقویت مخالفین و ارتباط با عناصر تبهکار که فاقد هویت ملی و یا پایگاه مردمی بودند سرمایه‌گذاری کرد



ساواک را که از ایران فرار کرده‌اند در دستگاه امنیتی خود بکار گرفته است. این خبرگزاری اضافه کرد که سادات افسران و عناصر ساواک را با کارتهای شناسایی مصری مجهز و آنها را به دفتر ویژه خود وابسته ساخته است تا بر امنیت ملی و سازمان عالی اطلاعات خارجی و داخلی مصر نظارت کنند.^۶

در سال ۵۸ تمامی مناطق مرزی توسط گروهکهای مسلح به ناآرامی کشیده شده بود. بلوچستان، خوزستان، کردستان، آذربایجان، ترکمن صحرا و گنبد...

گنبد از تحریک عناصر وابسته به استخبار جهانی روزهای بحرانی و سختی را پشت سر گذاشت.

در درگیریهای خونین این شهر که توسط گروهکهای محارب صورت گرفت جمع زیادی از مردم کشته شدند. در این رابطه دکتر آهنگری یکی از اعضای ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا گفت: این کانون را یک شورا رهبری می‌کند. شاخه‌های کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکن که مرکز آن در گنبد کاووس قرار دارد زیر نظر ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا فعالیت می‌کنند و هدف آن حفظ حقوق دمکراتیک ترکمن است. وی در ادامه علمای اهل تسنن ترکمن صحرا را مرتجع خواند. وی گفت: ما به



جمهوری اسلامی رأی نداده‌ایم چرا که محتوای رژیم و اینکه تا چه حد این حکومت می‌تواند خواستههای برحق خلق‌ها را برآورد برای ما روشن نیست.^۸

در درگیریهای گند طی چند روز جمعا ۸۵ نفر کشته و ۲۵۰ نفر مجروح شدند.^۹

شیخ عزالدین حسینی امام جمعه مهاباد که منصوب شده است اعلام کرد که با کمونیستهای ایرانی که سرسپرده هیچ ابرقدرتی نیستند و در داخل ایران فعالیت می‌کنند مخالفتی ندارد وی گفت من معتقدم که هر گروه سیاسی باید بتواند آزادانه فعالیت کند. وی در ادامه گفت: در انقلاب ایران نباید روی عقاید مذهبی تکیه شود. وی گفت: اگر جبرئیل از آسمان بیاید و قوانینی بیاورد که خودمختاری کردستان در آن نباشد، آن را نمی‌پذیریم!!^{۱۰}

این در حالی بود که با تصرف و غارت پادگان مهاباد توسط حزب دمکرات، این گروه خیلی زود یعنی کمتر از ده روز از عمر نظام اسلامی در صف محاربین انقلاب اسلامی قرار گرفت. این در حالی بود که پادگان مهاباد چند روز توسط حزب دمکرات در محاصره بود و سرانجام در ۱/۱۲/۵۷ سقوط کرد. و تمامی سلاحها و مهمات موجود در آن به دست حزب دمکرات افتاد.^{۱۱}

نخستین شماره روزنامه «آزادلیق» (آزادی) ناشر افکار فرقه آزادیخواهان آذربایجان در تهران منتشر شد. بنا به گزارش روزنامه کیهان، این روزنامه در صفحه اول خود از آیت الله العظمی شریعتمداری با عنوان «امام شریعتمداری» یاد کرده است.^{۱۲}

حزب جمهوری خلق مسلمان ایران با تأسیس دفتر مرکزی خود در تبریز، فعالیت عملی خود را آغاز کرد. کیهان در این باره نوشت: این حزب سومین حزب سیاسی و مذهبی ایران خواهد بود مؤسسين این حزب اعلام داشتند: استراتژی و تاکتیکهای متفاوت با احزاب دیگر خواهند داشت. این حزب اعلام کرد در اتخاذ روشهای عملی، نقطه نظرهای آیت الله العظمی شریعتمداری را در کلیه زمینهها!! ملاک عمل قرار خواهد داد.^{۱۳} یعنی يك حزب با شعاری غیر از استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، و رهبرش هم قاعداً باید شعاری متفاوت با شعار بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی، سردهد.

استراتژی آمریکا پس از پیروزی انقلاب امروز «رالف شانمن» چهره‌ای که از نخستین روزهای پیروزی انقلاب در ایران بشدت فعال بود و عمده‌ترین حملات

گروههای سیاسی مخالف دولت و نظام جدید با اتکا و استناد به نظرات و دعاوی وی مطرح می‌شد، به جرم جاسوسی برای سازمان سیا از ایران اخراج شد. به نوشته روزنامه اطلاعات او که در پشت نقاب طرفداری از انقلاب ایران برای گروهی از رهبران کنونی ایران پرونده‌سازی می‌کرد به نوشته يك نشریه معتبر جهانی، یکی از عوامل مهم «سیا» است و به همین جهت از ایران اخراج شد....

وی در فرودگاه تصمیم به فرار گرفت و می‌خواست به شهر بازگردد!! که با هشیاری از فرار وی جلوگیری کردند....

«شانمن» مجری طرح استراتژی جهانی، طرح حلزونی «دهه توسعه» و طرح «ترمایت» یا پیشرفت موربان‌های برای نفوذ در عمق نهضت‌های استقلال طلبانه است. «شانمن» این طرح را در آمریکای لاتین و اندونزی نیز تجربه کرده است. شانمن با این آگاهی وارد تهران شد و تاکتیکی شناخته شده را برای نفوذ و برقراری ارتباط با گروههای مخالف در پیش گرفت. حرکت دوم، ایجاد و توسعه شکاف از درون و عمل در جهت مخالف وحدت را با درگیری دنبال کرد. اگر حرکت سوم و آخرین ضربه یعنی حمله از رو به رو به ارزشها و وجه نظرها انجام می‌شد توطئه



شانمن خاتمه یافته تلقی می‌شد. ولی در کیفیت پیاده کردن این قسمت از طرح با ناکامی مواجه شد و طرح شکست خورد و چون طرح شکست خورد با مهارت از صحنه خارج و با جنجال برانگیزی و هیاهو از نظرها پنهان گردید و کیفیت این شکست او را مجبور به ترك صحنه کرد.^{۱۴}

به گزارش روزنامه کیهان شانمن در تدارك مسافرت به كردستان بود که اخراج شد.^{۱۵}

آمریکا که برای جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی توطئه لحظه به لحظه را تعقیب می‌کرد، با پیروزی انقلاب، لحظه‌ای آرام و قرار نداشت. استراتژی آمریکا جلوگیری از استقرار نظام با ایجاد بحران و نا آرامی در تمامی کشور، بخصوص در مناطق مرزی بود.

آمریکا روی اختلاف و درگیری بین اقوام و گروهها با طرح مسلح کردن آنها حساب می‌کرد. تصرف پادگان مهاباد و به دست آوردن سلاحهای فراوان و متنوع و ارسال آنها به مناطق مرزی كردستان، آذربایجان، خوزستان، بلوچستان، ترکمن صحرا و گنبد و عشایر قشقایی فارس و مجهز شدن گروهکهای محارب داخلی مانند: ۱. منافقین ۲. چریکهای فدایی خلق اکثریت ۳. اقلیت ۴. حزب دمکرات ۵. کوموله ۶. رزگاری ۷.

عزالدین حسینی ۸. حزب خلق مسلمان ۹. گروه جزنی ۱۰. حزب توده ۱۱. مائوئیست‌ها ۱۲. تروتسکی‌ها ۱۳. فرقان ۱۴. خلق عرب و یکی دو گروهك دیگر از آن جمله بود.

آمریکا بعضی از این گروهکها را مستقیماً هدایت می‌کرد و از آنها پشتیبانی به عمل می‌آورد بعضی دیگر را به صورت غیر مستقیم زیر نظر داشت و به آنها خط می‌داد.

یکی از افرادی که مستقیماً هدایت می‌کرد شیخ عزالدین حسینی امام جمعه سکولار و بی‌دین مهاباد بود. او مهره مستقیم شاه بود. وی که از امام جمعه‌گی فقط اسم آن را داشت هیچگونه اعتقادی به نماز جمعه و حکومت اسلامی و این گونه امور نداشت.

وی که در جایگاه روحانیت، مواضع مذهبی دارد و مواضع چپ غیرمذهبی یا ملی‌گرایی لائیک را ترویج می‌کرد و می‌گفت: درخواستهای هشت‌گانه ما از دولت مرکزی باید به طور جدی مورد مذاکره قرار گیرد.^{۱۶}

به دعوت شیخ عزالدین حسینی امام جمعه مهاباد، يك راهپیمایی با شرکت گروههای مختلف مردم این شهر برگزار شد و صدها نفر نیز به نمایندگی از طرف عشایر شکاک، هرچی مرکور، ترکور، و کردهای اطراف رضاییه (اورمیه) در آن شرکت کردند.



در این راهپیمایی تظاهرکنندگان خواستار خودمختاری کردستان شدند.^{۱۷}

در همین حال روزنامه اطلاعات گزارش داد: متینگ حزب دمکرات کردستان ایران به منظور پشتیبانی از اعلامیه هشت ماده‌ای نمایندگان کرد با حضور سی هزار نفر از اکراد، در استادیوم ورزشی بوکان برگزار شد. براساس این گزارش، اجتماع کنندگان از خودمختاری در کردستان پشتیبانی کردند.^{۱۸}

عزالدین حسینی به عنوان سمبل خلق کُرد، تبلیغ می‌شد. مطبوعات داخلی شدیداً از وی جانبداری می‌کردند. عزالدین حسینی با تظاهر به اسلام‌گرایی سعی در تحکیم موقعیت خویش در میان روحانیون اهل سنت کردستان داشت و از طرف دیگر از مواضع گروه‌های ضد انقلاب و محارب و مارکسیست‌های فعال در منطقه حمایت می‌کرد. وی تندروترین رهبر مخالفین جمهوری اسلامی است. رفتار وی بهیچوجه قابل پیش‌بینی نیست. گروه‌های تند که سابقه مبارزاتی هم دارند و از سال‌ها پیش به عنوان سوسیالیست و کمونیست شهرت داشتند و ذاتاً می‌بایست سرناسازگاری بیشتری با نظام اسلامی داشته باشند حتی مشهور بود که قاسملو نام فرزند خود را لنین گذاشته بود. تحصیلاتش در مسکو بود و



سالها با کمونیست‌ها زندگی کرده بود، و شدیداً از ناحیه غرب حمایت می‌شد، تندروی عزالدین حسینی را نداشت. شیخ عزالدین تبلور لجاجت و مخالفت و عداوت استکبار نسبت به انقلاب اسلامی بود. او از ناحیه رژیم بعث عراق قویاً حمایت می‌شد.

موضوع خلق عرب در خوزستان

یکی از تبهکاریهای گروهکهای محارب در اول انقلاب تحریک بعضی از قبایل و عشایر غیور ایرانی و وادار کردن آنها به زیاده‌خواهی بود. دشمن از شرایط اوایل انقلاب سوء استفاده بسیار کرد تا از ثبات و استقرار نظام نوپای حاکم بر کشور جلوگیری نماید. یکی از بحرانها مسأله خلق عرب در خوزستان بود.

مردم خوزستان مردمی متعهد، دین محور، خداجو، انقلابی، هوادار امام خمینی و شدیداً وحدت‌گرا بوده و هستند. نقش و سهم این مردم سلحشور در پاسداری از تمامیت ارضی در طول جنگ بر همگان روشن است. کشور مدیون فداکاری‌های مردم خوزستان اعم از عرب و غیر در دفاع شرافتمندانه است.

به رغم این موضوع، گروهی انگشت شمار که بشدت از ناحیه استکبار تحریک و



حمایت می‌شدند و یا عناصری ساده لوح و زودباور که تحت تأثیر تلقینات گروهی مشکوک قرار گرفته بودند در خوزستان بلوا برپا کردند و مشکلات زیادی را به وجود آوردند خسارتهای زیادی به اموال ملی و خصوصی زدند و جمع چشمگیری را به‌شهادت رساندند و به کشتن دادند...

در تاریخ ۱۹/۱/۵۸ در یادار دکتر سید احمد مدنی فرمانده نیروی دریایی با حفظ سمت استاندار استان خوزستان شد.^{۱۹}

هر روز خبرهای ناگواری از خوزستان می‌رسید. هر روز به بهانه‌های گوناگونی در این استان، بحرانی به وجود می‌آمد. نا آرامی‌ها و اعتصاب در بندر آبادان کار تخلیه و بارگیری کشتی‌ها را در اسکله‌های شرکت ملی نفت متوقف کرده بود.^{۲۰} اما دکتر مدنی که خود يك عنصر سیاسی از جبهه ملی بود،

اهتمام جدی در حل مشکلات نداشت. در این مورد به يك خاطره شخصی مستند اشاره می‌کنیم:

در اردیبهشت ماه سال ۵۸ به ستاد مرکزی سپاه پاسداران خبر رسید که مشکلاتی در جزیره نفتی خارک به لحاظ امنیتی مشاهده شده است. موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. در آنوقت من عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و

مشول اطلاعات و تحقیقات بودم. موضوع را در قم به عرض حضرت امام خمینی رساندم و ضرورت بررسی مسأله را هم متذکر شدم. حضرت امام فرمودند: «خود شما برای بررسی مسأله به منطقه بروید و اقدام لازم را بفرمایید».

بلافاصله نتیجه را با برادران شورای فرماندهی در میان گذاشتم. اخلاقاً و قانوناً موضوع را به آقای دکتر مدنی هم منعکس کردم و خود به همراه چند تن از برادران ستاد مرکزی سپاه پاسداران عازم خوزستان شدم. قرار ملاقات ما با دکتر مدنی ساعت ۱۰ روز دوشنبه ۲۸/۲/۵۸ بود. پنج دقیقه به ۱۰ در دفتر ایشان حضور یافتیم. با کمال تعجب رئیس دفتر ایشان گفت: از چنین ملاقاتی اطلاع ندارم!! ضمن اینکه آقای استاندار هم در دفتر نیستند!! خیلی تعجب کردم گفتم من شخصاً با آقای استاندار در مورد این ملاقات صحبت کرده‌ام چطور شما مطلع نیستید و ایشان هم در دفتر حضور ندارند؟ کشمکش ما بی نتیجه بود و رئیس دفتر هم از عدم حضور آقای استاندار سخن می گفت. حدود يك ساعت از وقت ما در دفتر بی جهت گذشت. دیدم راه به جایی ندارم. از طرفی رفتن به جزیره خارک مستلزم هماهنگی با نیروی دریایی است که آقای دکتر مدنی

فرمانده نیروی دریایی هم بود!! در این موقع فکری به ذهنم گذشت. به یکی از همراهان گفتم که اذان بگوید. اذان در ساعت ۱۱ و در دفتر آقای استاندار!! هنوز فقرات اذان به نیمه نرسیده بود که آقای استاندار از دفترش بیرون آمد و متوجه حضور ما شد. ما دیگر از کسی گلایه نکردیم. پس از چند لحظه دیدار با آقای استاندار به طرف فرودگاه اهواز به راه افتادیم. تیمسار مدنی يك فروند بال گرد برای رفتن ما به بوشهر در نظر گرفته بود. به مجرد اینکه ما به ورودی فرودگاه رسیدیم يك دستگاه اتومبیل با سرعت از درب پایگاه خارج شد. مأمور ایست بازرسی گفت اینجا گروه پرواز هلی کوپتر بودند که رفتند ما با اتومبیل و با سرعت به تعقیب گروه پروازی پرداختیم و پس از طی چند ایستگاه به آنها رسیدیم و گروه را به آشیانه بازگرداندیم.

خلبان نه نقشه خوانی بلد بود و نه مسیر را می دانست و از همه مهمتر اینکه سوخت گیری لازم را برای پرواز از اهواز به بوشهر نکرده بود. در يك روستا هلی کوپتر فرود آمد و از اهالی، مسیر بوشهر را پرسید آنها هم اشاراتی کردند که خیلی برای خلبان کارگرنیفتاد.

پس از پرواز از روستا و طی حدود يك ربع پرواز مجدد، سوخت بالگرد تمام شد و



هلی کوپتر در وسط بیابان به زمین نشست.

خلبان با پایگاه بوشهر تماس گرفت حدود دو ساعت بعد یکفرودن بالگرد نیروی دریایی که يك سرهنگ خلبنانی آنرا بعهدہ داشت ما را در بیابان پیدا کرد. پس از فرود بلافاصله پرسید: خلبان این هلی کوپتر کیست؟ خلبان بالگرد با سلام نظامی گفت: من هستم!

سرهنگ خلبان يك سیلی محکم در گوش او نواخت و با تشر و توهین گفت تو چقدر سوخت زده‌ای؟ خلبان گفت قربان... بلافاصله سرهنگ سیلی دوم در گوشش خواباند و گفت تو نقشه خوانی هم بلد نیستی؟... تو کجا دوره دیده‌ای؟ فرمانده تو کیست؟

من رفتم و از سرهنگ نیروی دریایی تشکر کردم و گفتم ایشان را ببخشید. سرهنگ گفت: بفرمایید سوار شوید. بخدا قسم قلم پای کسی را می شکنم که تا ۲۴ ساعت به اینها کمک برساند. بگذار همین جا در جهل خود بمیرند. سپس ما با همان هلی کوپتر به طرف خارك پرواز کردیم... بگذریم

البته هر دو خلبان هلی کوپتر هوانیروز، فارغ التحصیل آمریکا بودند و پر ادعا و متکبر.

خوزستان در تب آشوب و التهاب تحریکها می سوخت و آقای شیخ



محمدطاهر آل شبیر خاقانی مرتب اعلامیه می داد. در یکی از اعلامیه که در روز ۲/۲/۵۸ صادر نمود آمده بود:

چون به علت بعضی مشکلات ... و نیز تعلل دولت در دادن حقوق شرعی و قانونی خلقها از جمله خلق عرب خوزستان، در شرایط فعلی برای من قابل تحمل نیست، ناچار به ترك کشور هستم. شیخ شبیر درباره خواسته‌های اعراب گفت: در کلیه امور مربوط به خوزستان، اعراب باید نقش داشته باشند و تشکیلات فرهنگی و اجتماعی منطقه باید مشترکاً به دست ایرانیان عرب زبان و فارس‌ها اداره شود...^{۲۱}

استکبار که مشکلات داخلی کشور را، بزرگ می کرد و از گاه کوه می ساخت با دستپاچگی و سراسیمگی اولاً آیت الله آل شبیر را که از مراجع تقلید شیعه بود سنی خواند و ایشان را رهبر اهل تسنن معرفی کرد. خبرگزاری آسوشیتدپرس بعد از صدور اعلامیه‌های آل شبیر خاقانی طی خبری که به سراسر دنیا مخابره کرد نوشت:

رهبر مسلمانان اهل تسنن در خوزستان آقای آل شبیر خاقانی گفت: اوضاع موجود در ایران به صورت «غیرقابل تحمل» درآمده است. این خبرگزاری افزود: رهبر مسلمانان اهل تسنن!! گفته است که درصدد است به

يك کشور عربی سفر کند لیکن مقصد
موردنظر خود را مشخص ننموده است.^{۲۲}

آیت الله شبیر خاقانی تقاضای هیأت
اعزامی منسوب به امام خمینی و آیت الله
طالقانی را مبنی بر عزیمت به قم رد کرد.
هیأت اعزامی که از قم برای مذاکره با آل
شبیر خاقانی به خرمشهر رفته بودند از وی
درخواست کردند که برای استراحت به قم
برود، اما شبیر خاقانی این پیشنهاد را قبول
نکرد و گفت خروج از خرمشهر را در
وضعیت کنونی صلاح نمی‌داند. در این
مذاکرات شبیر خاقانی خطاب به هیأت
اظهار کرد: گروهی با ایجاد تفرقه بین
خلق‌های منطقه خوزستان می‌خواهند آشوب
به پا کنند و ما با تمام قوا از انجام این کار
جلوگیری خواهیم کرد.^{۲۳}

در تاریخ دهم اردیبهشت ۵۸ اعلامیه خلق
عرب خوزستان که آقای آل شبیر خاقانی در
رأس آن بود به عنوان آقای مهندس بازرگان
نخست وزیر بشرح زیر صادر شد:

۱. اعتراف به ملیت خلق عرب ایران و
درج در قانون اساسی جمهوری اسلامی
ایران

۲. تشکیل مجلس محلی عربی در منطقه
خودمختار.

۳. تشکیل دادگاههای عربی جهت حل



□ یکی از پدیده‌های زشت و غیر
قابل درک در اوایل انقلاب، تشکیل
احزاب و گروههای معاند و مخالف
نظام جمهوری اسلامی بود. در
دستور العمل اکثریت قریب به اتفاق
این گروهکها، مخالفت و معاندت با
نظام اسلامی قرار داشت

مشکلات خلق عرب.

حزب خلق مسلمان

۴. برسمیت شناختن زبان رسمی به عنوان زبان رسمی منطقه خوزستان.

یکی از پدیده‌های زشت و غیرقابل درک در اوایل انقلاب، تشکیل احزاب و گروه‌های معاند و مخالف نظام جمهوری اسلامی بود. در دستورالعمل اکثریت قریب به اتفاق این گروه‌ها، مخالفت و معاندت با نظام اسلامی قرار داشت.

۵. آموزش زبان عربی در مدراس ابتدایی
۶. تشکیل دانشگاه به زبان عربی در منطقه که پاسخگویی نیازهای خلق ایران باشد.

یکی از این به اصطلاح احزاب، «حزب خلق مسلمان» بود. بنیانگذار این حزب شخص آیت الله شریعتمداری بود. شخصی که يك روز هم در خط انقلاب نبود و هیچ گامی در جهت تقویت انقلاب اسلامی و امام خمینی برنداشت. در این زمینه فقط به ارائه يك سند اشاره می‌کنیم:

۷. آزادی بیان، انتشار کتاب، روزنامه به زبان عربی و ایجاد برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به زبان عربی و مستقل از برنامه شبکه سراسری. در این زمینه وجود سانسور به هر شکل و صورت مردود است.

۸. تخصیص مقدار کافی از درآمد نفت برای آبادانی منطقه

سفارت آمریکا در تهران حاصل ملاقات خود را با آقای شریعتمداری در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۷۹ یعنی ۳/۲/۵۸ یعنی فقط ۷۰ روز بعد از پیروزی!! با طبقه‌بندی خیلی محرمانه به وزارت خارجه آن کشور فرستاده است.

۹. اولویت استخدام در بخش دولتی و خصوصی با خلق عرب

۱۰. نامگذاری شهرها، روستاها، منطقه‌ها و خود منطقه‌ها به نامهای تاریخی عربی

۱۱. شرکت فرزندان خلق عرب در ارتش و نیروهای انتظامی در چارچوب منطقه خودمختار.

شریعتمداری در این ملاقات به صراحت بیان کرده که او از اعمال دادگاههای انقلاب بشدت نا امید شده و امیدوار است که دنیای غرب این اعمال را به اسلام واقعی نسبت ندهد. به نظر او (شریعتمداری) دادگاههای انقلاب غیر قانونی و غیراسلامی هستند

۱۲. تجدیدنظر در تقسیم اراضی. در خاتمه از دولت آقای بازرگان انتظار داریم که در رابطه با حل مسایل خلق عرب ایران از مذاکره و سازش با عناصر مرتجع و فرصت طلب خودداری نماید.^{۲۴}



بنابراین او نه تنها دخالتی در این دادگاهها ندارد، بلکه نقشی در کارهای حکومتی ایفا نمی‌کند.

شریعتمداری در این ملاقات اضافه کرده است: ایران امروز براساس عقل اداره نمی‌شود بلکه اداره آن براساس احساسات است و احساسات ضد آمریکایی جاری را نمونه‌ای از این امر دانست. او ابراز امیدواری کرد که آمریکا احساسات ضد آمریکایی گسترده کنونی را احساسات اصیل ایران تلقی نکند. وی با احتیاط تمام گفت که اظهارات خمینی تا حد زیادی به این رفتار ضد آمریکایی کمک کرده است و وقتی مردم ایران دوباره به سر عقل بیایند می‌خواهند که روابط ایران و آمریکا ادامه یابد...

شریعتمداری گفت: آمریکا می‌تواند در این برهه مشکل از زمان بگوید که اسلحه‌های خود را به زور به ایران فروخته و آمریکایی‌ها به درخواستهای یک حکومت سلطنتی جواب مثبت داده‌اند. او اضافه کرد که ما باید بدقت از فرصتهایی که موجب استحکام دوستان آمریکا در ایران می‌شود استفاده کنیم و با این تبلیغات ضد آمریکایی مبارزه نماییم. به نظر او (شریعتمداری) دولت آمریکا باید تبلیغات مثبتی درباره برخورد جاری آمریکا نسبت به ایران انجام

دهد. ۲۵

همین يك سند و عملکرد ایشان در دهه ۴۰ - ۵۰ و حمایت مشارالیه از کودتای نوژه و بحران آذربایجان در دوره استانداری مقدم مراغه‌ای استاندار مورد حمایت آقای شریعتمداری و مشکلات بعدی که ایشان فراهم کرد در ارائه تصویری از شرایط کشور قبل از جنگ تحمیلی، کافی است.

حزب خلق مسلمان مستمراً اعلامیه‌های تندی را برعلیه نظام صادر می‌کرد، و وقتی روزنامه‌ها از درج آن خودداری می‌کردند با فرستادن دسته‌های مسلح رادیو - تلویزیون تبریز را اشغال می‌کرد و اعلامیه خود را از رادیو - تلویزیون تبریز پخش می‌نمود. این حرکت زشت حداقل ۷ بار تکرار شد.

آیت الله شریعتمداری مبلغ ۵ میلیون تومان (البته ۵ میلیون سال ۵۸ که به وجه امروزی حدود ۵۰۰ میلیون تومان می‌شود) را به شیخ عزالدین حسینی داد و توسط وی از دولت عراق اسلحه کلاشینکف خریداری کرد.

در این مورد حرفها و صحبتها بسیار است که در این مقال نمی‌گنجد. قصد ما از نگارش این فراز از تاریخ انقلاب اسلامی مشکلاتی بود که استکبار برای کشور فراهم کرده بود تا انقلاب را از پای در آورد و در آن هنگام که این تحریکات مؤثر نیفتاد با



تحريك رژيم بعث عراق جنگ را برای نابودی انقلاب اسلامی برما تحميل کرد.

عملکرد گروهها و گروهکها

عملکرد گروهها و گروهکها همواره در جهت ضدیت با تمامیت انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی بود. هیچکدام از این گروهها، کارنامه مثبتی ندارند. برعکس در تمامی شرایط تا اضمحلال و انقراض آنها همواره روبروی انقلاب ایستادند. پنجه در صورت انقلاب و انقلابیون کشیدند و از این جهت بسان آمریکا عمل کردند. نمی‌خواهیم همه را متهم کنیم که تحريك شده آمریکا بودند و از آمریکا فرمان می‌گرفتند اما با صراحت می‌گوییم که عملکرد همه آنها مطلوب آمریکا بود. چون آمریکا از عملکرد آنها حداکثر بهره‌برداری را در جهت وارد آوردن ضربات سهمگین اقتصادی، سیاسی - روانی و نظامی کرد. یعنی آشوب و بلوایی که این گروههای محارب در کشور به راه انداختند موجب بی‌ثباتی نظام شد. همین بی‌ثباتی آمریکا را وسوسه کرد تا عده‌ای از ژنرال‌های شاه را برای يك کودتای نظامی خونین تحريك کند.

در روز ۲۱ تیرماه ۱۳۵۹ گروهی از نظامیان خائن و دست‌نشانده آمریکایی که

تحت تأثیر وعده و وعید آمریکا قرار گرفته بودند به قصد سرنگونی حکومت نوپای اسلامی برای انجام کودتا برنامه‌ریزی کرده بودند. این توطئه خائنانه قبل از هرگونه حرکتی کشف و خنثی شد و عوامل آنها دستگیر شدند.

توطئه کودتا دو ماه و نیم پس از تهاجم نظامی آمریکا به طیس و شکست ذلت‌بار و خردکننده کاخ سفید انجام می‌شد. در پنجم اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹ طرح تهاجم نظامی آمریکا به طیس به بهانه آزاد کردن جاسوسان آمریکایی و در حقیقت به منظور شکست انقلاب اسلامی صورت گرفت که با اراده و قدرت خدای سبحان چونان سپاه نیرومند ابرهه که توسط سجیل نابود شد این بار سپاه نیرومند آمریکا در توفان شن اسیر شد و با پذیرفتن ذلت‌بارترین شکست‌ها بقیة السیف آن با رسوایی و خفت از معرکه گریخت.

جالب است که خداوند سپاهیان فیل سوار ابرهه را برای تحقیر بیشتر آنها با سنگ ریزه از پای درآورد. و این بار با تکرار تاریخ سپاه نیرومند و مجهز آمریکا را برای تحقیر و خفت زیاده‌تر بوسیله شن، آری شن نابود کرد. إِنَّ رَبَّكَ لَمُرْصَادُ خدای در کمین ستمگران است.

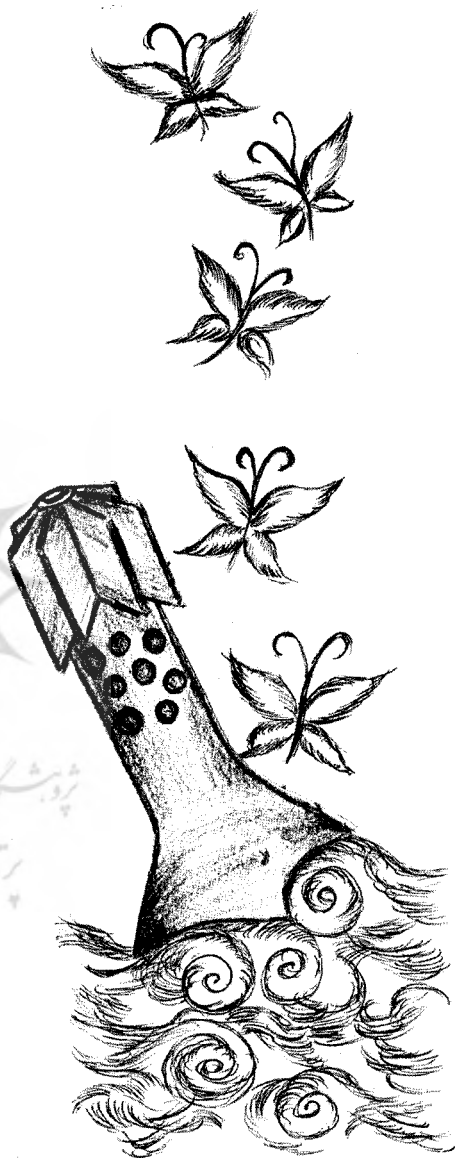
روزها به سختی می‌گذشت و عملکرد



گروهکها و روشنفکران غیر متعهد مشکلات زیادی را برای کشور و انقلاب ایجاد می‌کرد. درخت انقلاب که تازه به برگ و بار نشسته بود در حال سایه افکنی بود و امیدهای زیادی را برای ملت انقلابی فراهم کرده بود و هر روز شکوهمندتر، قوی‌تر، با نشاط‌تر و با طراوت‌تر می‌شد.

خبرهای اول خبرگزاری‌ها و رادیو، تلویزیون دنیا کماکان ایران و انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی بود. بدیهی است که این بار اخبار اول خبر رسانه‌های خبری دنیا، بزرگنمایی مشکلات داخلی انقلاب بود. مشکلاتی که مع‌الاسف رو به افزایش بود.

آمریکا، خشمگین از پیروزی انقلاب، ناراحت از شعارهای انقلاب، عصبانی از مواضع امام خمینی و شرم‌منده از شکست ذلت‌بار در طبس و رسوا از بی‌نتیجه ماندن توطئه کودتا و رسوا در حمایت از عملکرد گروهک‌های محارب دیگر صبرش تمام شده بود و نمی‌توانست در برابر مواضع انقلاب اسلامی و موضعگیری‌های حضرت امام موضعگیری بجا و مناسبی داشته باشد. از آنجا که حرکت حضرت امام برای آمریکا غیر قابل پیش‌بینی بود بنابراین موضعگیری آمریکا در برابر انقلاب اسلامی اغلب سفیهانه، جنون‌آمیز غیر قابل درک و همواره از روی



عصبانیت بود.

۲. عراق به رغم جمعیت و وسعت و ظرفیت قابل ملاحظه تقریباً راه دسترسی به دریا ندارد. تنها ۱۸۰ کیلومتر در بندر ام القصر در مرز مشترک با کویت دارد. عراق همواره به دنبال فرصتی بوده است تا به دریای آزاد راه یابد.

۳. صدام در غیبت شاه می‌خواست جایگزین مناسبی از دید آمریکا باشد. لازم بود با یک حرکت، اعلام موجودیت کند. حمله به ایران اعلام موجودیت مهره جدید آمریکا در منطقه بود.

۴. نفس انقلاب اسلامی و شعارهای اساسی آن برای بسیاری از کشورهای عربی قابل قبول نبود صدام با حمله به ایران حمایت بعضی از کشورهای عربی را هم می‌توانست به دست آورد.

۵. ضعف قدرت دفاعی، پاشیده شدن ارتش و اختلافات داخلی فرصت مناسبی بود تا از دیدگاه آمریکا و صدام به ایران حمله شود و این حملات هم نتیجه بخش گردد.

۶. تحریکات دائمی آمریکا و اطلاعات نادرست آمریکا در مورد قدرت دفاعی ایران صدام را شدیداً گمراه کرد و وادار به حمله به ایران نمود. رمزی کلارک وزیر اسبق دادگستری آمریکا اذعان کرد که: «تحریکات ما باعث شد که عراق به ایران حمله ور شود.

سرانجام آمریکا نقشه شوم و خائنانه خود را که برای نابودی کامل انقلاب اسلامی با نابود کردن تمامی منابع حیاتی و اقتصادی و انسانی تهیه دیده بود به اجرا گذاشت. جنگ توطئه‌ای بود که آمریکا از قبل برنامه‌ریزی کرده بود. آمریکا پس از سقوط شاه به دنبال جایگزینی قدرت منطقه‌ای بود تا نقش شاه را به عنوان ژاندارم منطقه به عهده بگیرد. صدام عنصری بود که به سرعت به ذهن آمریکا رسید.

آمریکا چرا عراق را برای حمله به ما تحریک کرد؟

سؤالی که در ابتدا به ذهن هر پژوهنده و تحلیل‌گر سیاسی و به ذهن محققین و آنهایی که پیرامون جنگ هشت‌ساله به بررسی می‌پردازند می‌آید این است که چرا آمریکا عراق را وادار کرد که به جنگ با ما پردازد؟ پاسخ این سؤال را در چند نکته می‌توان خلاصه کرد:

۱. عراق کشوری با ۱۸ میلیون جمعیت و ۴۵۰ هزار کیلومتر مربع وسعت با همسایگانش اختلاف ارضی دارد. با ایران هم مشکل ارضی در اروندرود داشت. این مشکل بهانه خوبی برای تحریک عراق بود.



جنگ لعنتی باعث از بین رفتن يك ميليون جوان شد بدون هیچگونه هدف و دلیلی بعد از سقوط شاه در سال ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۷) شمس‌العراق فکر می‌کرد که ایران قادر به دفاع از خود نیست ولی احساسات و غرور ایرانیان را که نتیجه ۲۵ سال زجرها و تحمل‌های آنان بود در نظر نگرفت... عراق که از پشتیبانی آمریکا و روسیه برخوردار بود همه چیز داشت. توپ، تانک و موشک‌های حمل‌شونده ولی نتیجه بن بست بود. به هر صورت در اواخر دهه ۱۹۸۰ عراق به طرف قوی شدن هرچه بیشتر در خاورمیانه پیش می‌رفت و متأسفانه عراق نمی‌توانست حافظ منافع ما مثل شاه باشد. هیچ کس به خوبی شاه برای ما نخواهد بود».^{۲۶}

۷. صدام يك عنصر ضد ایرانی و ضد ایران بود. رژیم بعث عراق شعارش این بود:

أَنَا الْبَعْثُ الْعَرَبِيُّ الْأَشْتَرَاكِيُّ

ولی شعار انقلاب این بود: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی
بنابراین این دو نظام از اساس و پایه در برابر هم بودند.

۸. صدام و حزب بعث پس از انقلاب اسلامی با دشواری زیادی روبرو بودند. صدام پس از سرنگونی حسن البکر رئیس حزب بعث و رئیس جمهور عراق، در داخل

حزب و در داخل کشور دچار مشکل جدی شده بود. صدام برای آنکه توسط امرای ارتش بعث سرنگون نشود ارتش را به جنگ ایران فرستاد.^{۲۷} علاوه بر آن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نگران تأثیر انقلاب بر جمهوریهای مسلمان کشور خود بود. و به منظور استفاده از شرایط پس از نابودی شاه، دست در دست آمریکا، در تحمیل جنگ و برآورده کردن نیازهای تسلیحاتی عراق همفکر و متحد آمریکا در تحمیل جنگ بر علیه ایران گردید.

کودتای صدام بر علیه حسن البکر

صدام يك عنصر مقام پرست، ماجراجو، خودخواه و بشدت نسبت به عربیت تعصب داشت. او در سر رهبری جهان عرب را می‌پروراند. قرارداد کمپ دیوید بین مصر و رژیم صهیونیستی، اعتبار مصر را در دنیای عرب بکلی از بین برده بود. صدام می‌خواست جانشینی عبدالناصر را بعهدہ بگیرد.

با روی کار آمدن صدام در اوایل سال ۱۳۵۸، این رویا قدری از نظر صدام به واقعیت نزدیک شد. قوای متجاوز عراقی هر روز به مرزهای غربی کشورمان تجاوز می‌کردند و پس از اربعاب و تخریب



عقب‌نشینی می‌نمودند. قصد صدام از این حرکت‌های موزیانه چند موضوع بود:

۱. تست کردن آمادگی دفاعی نیروهای نظامی کشورمان.

۲. تجربه اندوزی قوای متجاوز بعثی بر تجاوز به خاک جمهوری اسلامی.

۳. افزایش روحیه ارتش بعث برای تجاوز به ایران اسلامی.

۴. اعلام آمادگی برای اینکه بجای شاه از منافع آمریکا دفاع کند.

۵. اعلام موجودیت بعنوان عنصری که می‌تواند به رویاهای بعضی از سران عرب جامعه عمل بپوشاند.

به دنبال قطع رابطه سیاسی ایران و آمریکا در ۲۰ فوروردین ماه ۱۳۵۹، صدام اعلام کرد که ایران باید از سه جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی خارج شود.

صدام در ۲۵ فوروردین ماه همانسال اعلام کرد که «عراق آماده است اختلافات خود را با ایران با زور حل کند».^{۲۸}

ماه‌های ششماهه اول سال ۵۹ به کندی می‌گذشت. همه روزه خبر از تمرکز قوای ارتش بعث در برابر پاسگاه‌های مرزی و فعالیت‌های گسترده در جهت استقرار توپخانه، تقویت پاسگاه‌های مرزی، ایجاد مانع مرزی، جابجایی گسترده نیرو،

عکسبرداری و شناسایی و تجاوز مکرر هوایی می‌رسید.

در تابستان سال ۵۹ دیگر برای همگان مشخص شده بود که صدام قصد جنگ با ما را دارد. بخصوص نگارنده که در آن سال، نماینده مجلس و عضو کمیسیون دفاع مجلس شورای اسلامی بودم و اخبار بحران مرزی را دقیقاً پیگیری می‌کردم تردیدی برایم باقی نمانده بود که صدام قصد صدمه زدن به ما را دارد.

آغاز جنگ

همانگونه که گفتیم عراق از ماه‌ها پیش با تجاوز به حریم زمینی و هوایی و دریایی کشورمان، عملاً جنگ ناخواسته را به ما تحمیل کرده بود. نیروهای مسلح ما نیز به دفع موقت تجاوز اقدام می‌کردند. اما از آنجا که هنوز به بیش از دفع تجاوز مأموریت نداشتند تنها به دفاع می‌پرداختند.

عراق از خیلی قبل آمادگی بالایی برای تجاوز به کشورمان را داشت. صدام در روزهای آغازین جنگ، ۱۲ لشکر کامل تجهیز کرده بود. ۵ لشکر رزمی، ۲ لشکر مکانیزه و ۵ لشکر پیاده و همچنین ۱۵ تا ۲۰ تیپ مستقل در مرزها مستقر کرده بود مرکب از ۱۰ تیپ پیاده، ۱ تیپ مکانیزه، ۳ تیپ



نیروی مخصوص و تیپ ۱۰ گارد جمهوری بود که در قالب سه سپاه سازمان یافته بود.

طبق يك برآورد تخمینی، استعداد فوق با ۶۰۰ تا ۸۰۰ قبضه توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانك و نفربر، ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی و حدود ۳۶۶ فروند هواپیمای جنگنده و ۴۰۰ هلی کوپتر پشتیبانی بود. نیروی هوایی عراق متشکل از ۲۰ اسکادران هواپیمای جنگنده رهگیر بود که در ۹ پایگاه هوایی موجود این کشور مستقر شده بودند.^{۲۹}

صدام در تاریخ ۲۰/۶/۵۹ در جمع وزرای خارجه کشورهای عربی، ضمن درخواست کمک و یاری از آنان، اعلام داشت که: خاکمان را از ایران بازپس می گیریم.^{۳۰}

صدام در ۲۷/۶/۵۹ یعنی سه روز قبل از تجاوز به خاک کشورمان قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که اتفاقاً توسط خودش و شاه امضاء شده بود را ملغی کرد.^{۳۱}

به دنبال لغو قرارداد ۱۹۷۵ که تعیین کننده خطوط مرزی دو کشور بود و همچنین ادعاها و شعارها و تجاوزات مکرر و مستمر مرزی، دیگر برای هیچکس تردیدی باقی نمانده بود که آمریکا، صدام را برای نابودی انقلاب اسلامی برگزیده است.

□ حرکت حضرت امام برای امریکا غیر قابل پیش بینی بود. بنابراین موضع گیری های امریکا در برابر انقلاب اسلامی اغلب سفیهانه، جنون آمیز، غیر قابل درك و همواره از روی عصبانیت بود

□ رمزی كلارك وزیر اسبق دادگستری امریکا اذعان کرد که: «تحریكات ما باعث شد که عراق به ایران حمله ور شود»



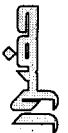
اهداف استکبار از تحمیل جنگ

بسیار ساده لوحانه است اگر تصور کنیم صدام خود به تنهایی و بدون مشورت با سران دول منطقه و هماهنگی و همدلی با ارتجاع و هدایت و حمایت آمریکا و متحدینش، جنگ را بر ما تحمیل کرد.

به طور قطع مجموعه عناصر و عوامل و مراکز قدرت و تمامی دولتهایی که به شکلی از اشکال پیروزی انقلاب اسلامی منافع آنها را از بین برده و یا بخطر انداخته و یا حداقل منافع نامشروع آنها را تهدید می کرد در شروع جنگ نقش اصلی را داشته اند. با این تحلیل، صدام آلت فعل و مجری اهداف کوتاه مدت و دراز مدت استکبار جهانی بود. بدیهی است چنانچه جنگ به نتیجه می رسید و استراتژیست های کاخ سفید به اهداف شوم خود می رسیدند بطور قطع سهم صدام در آن پیروزی جز يك تشکر خشک و خالی چیز دیگری نبود.

راستی اگر قصد آمریکا شکست انقلاب اسلامی و نابودی نظام الهی و گرفتن شعار نه شرقی و نه غربی از کشور نبود، هرگز اجازه مانور در اروندرود را به صدام نمی داد و هیچگونه اصلاح در خطوط مرزی را به نفع عراق نمی پذیرفت.

تحلیل فوق را اینجانب به کرات برای



مقامات کشورهای عرب از جمله حافظ اسد، قذافی، بن جدید رؤسای جمهوری سوریه، لیبی و الجزایر مطرح کردم. بعدها نیز در جلسات متعدد، همین تحلیل را با بیانات دیگر برای سران و مقامات کشورهای منطقه توضیح دادم. تا آنجا که یکی از همین مقامات بعدها بمن گفت که این تحلیل را برای صدام شرح داده است و صدام هم بشدت عصبانی شده است. گذشت زمان همین مسأله را برای عراق به اثبات رساند.

اهداف استکبار، نابودی کامل نظام جمهوری اسلامی و جایگزین شدن مهره دست نشانده دیگری بجای شاه اعم از نظامی و یا غیرنظامی بود تا آمریکا بکمک آن عنصر دست نشانده، ریشه اسلام را در کشورمان با نابودی روحانیت و روشنفکران دین محور و انقلابیون خداجو، بخشکاند.

همین

پس از آغاز جنگ و تداوم آن، مقاومت دلیرانه و شجاعانه ارتش سلحشور و سپاه پاسداران عزیز و نیروهای مردمی، شرایط خاصی را در جبهه ها پدید آورد.

هرچند نیروهای متجاوز عراق توانست با بهره برداری از شرایط کشورمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی که ارتش را در موقعیت خاصی قرار داده بود، در روزهای اول جنگ به

موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای برسد اما این پیروزی‌ها يك جانبه نبود. ارتش بعث عراق در هفته‌های اول جنگ توانست ۲۲ هزار کیلومتر از اراضی مقدس کشورمان را در ۵ استان به اشغال درآورد. مهمترین این مناطق شهر خرمشهر بود. اما حملات خلبانان نیروی هوایی توان ارتش عراق را بسیار محدود می‌کرد. خسارات عمده‌ای که این خلبانان جان برکف بر عراق تحمیل کردند تأسیسات نفتی عراق را بکلی نابود کرد و عراق تا پایان جنگ نتوانست قطره‌ای نفت از طریق خلیج فارس صادر کند.

مواضع شخصیت‌ها در جنگ تحمیلی

پس از شروع جنگ مقامات کشورهای مختلف به موضع‌گیری‌های متفاوتی پرداختند. توجه دقیق‌تر به این مواضع مشخص کننده بسیاری از نقاط غیر روشن جنگ است. کشورهای که از تجاوز ارتش عراق به ایران به وجد آمده بودند را بخوبی مشخص می‌کند و این خود دلیل دیگری بر حمایت استکبار جهانی در جنگ صدام جهت نابودی انقلاب اسلامی است. ذیلاً به تعدادی از این موضع‌گیری‌ها اشاره می‌کنیم:

روزنامه نیویورک تایمز: ژنرال‌های ایرانی که پس از انقلاب از ایران گریخته‌اند، اطلاعات

جنگی در اختیار عراقی‌ها قرار داده‌اند.^{۳۲} شاپور بختیار از ایرانیان خواست تا قبل از سرو سامان دادن به جنگ با عراق، حکومت آیت الله خمینی را سرنگون سازند.^{۳۳}

اسحاق رابین، نخست وزیر اسبق اسرائیل: یکی از عواقب و نتایج فوری جنگ ایران و عراق این است که جبهه شرقی، سوریه اردن و عراق دیگر برای اسرائیل يك تهدید نیست زیرا عراق کاملاً مقابل ایران ایستاده است.^{۳۴}

دکتر بهشتی رئیس دیوانعالی کشور: ملت ما و مسئولان کشور هیچگاه خواهان برخورد مسلحانه با همسایگان خود نبودند اما وقتی رژیم بعثی و دست نشانده عراق به مرزها و شهرهای ما تجاوز می‌کند و به جای تل آویو شهرهای ایران را بمباران می‌کند، راه ما این است که با قدرت و فداکاری هرچه بیشتر با متجاوز روبرو شویم.^{۳۵}

شیخ زائدال نهیال، رئیس امارات متحد عربی در دیدار با سفیر ایران در کویت: ما به هیچ يك از طرفین درگیری کمک نظامی و تدارکاتی نخواهیم کرد و در عوض حاضریم تمامی امکانات اقتصادی و انسانی خود را در صورت پایان زد و خورد در اختیار طرفین قرار دهیم.^{۳۶}

تحولات دیگر

اینک به برخی سخنان و نظریه‌های شخصیتها پیرامون جنگ نظر می‌افکنیم: شاه حسین گفت: برای دفاع از عراق حاضر به جنگ با ایران هستم.

شاه اردن همچنین گفت: اگر بخاطر کارهای رسمی خود محدودیتی نداشتم در آن صورت بسیار ناراحت می‌شدم اگر مثل یک سرباز، در خاک عراق برای دفاع از حقوق عراق نمی‌جنگیدم.^{۳۷}

امام جمعه تهران آیت الله خامنه‌ای: جنگ ما با استکبار جهانی و سرپنجه‌های مزدورش در منطقه تمام نشدنی است. عراق با فرمان استکبار جهانی است که با ما مبارزه برخاسته است.^{۳۸}

روزنامه کویتی «القبس» نوشت. اردن ۴۰/۰۰۰ سرباز مسلح و تانکهای سنگین و موشکهای زمین به هوا در اختیار صدام قرار داد.^{۳۹}

حاج سید احمد آقا خمینی: ما هرگز نمی‌خواهیم با کسی جنگ کنیم بلکه دفاع می‌کنیم تا پیروز شویم و قطعاً پیروزی از آن ماست.^{۴۰}

یونایتد پرس اعلام کرد: با حمایت شاه حسین از صدام، اردن به یک کشور جنگ‌زده شبیه شده است. مردم اردن برای تهیه غذا



صف‌های طولانی تشکیل می‌دهند.^{۴۱}

هنری کسینجر: پیروزی هریک از دو طرف درگیر در جنگ ایران و عراق موجب بروز مشکلات مختلفی برای منافع آمریکا می‌شود.^{۴۲}

نخست وزیر فرانسه: عراق هیچ کاری نمی‌کند جز پس گرفتن خاک خود. وی میانجی‌گری فرانسه را در بحران ایران و عراق رد کرد.^{۴۳}

رئیس جمهور ایران: رئیس جمهور الجزایر گفته که حمله عراق به ایران توطئه‌ای است برضد ایران. ما این را می‌فهمیم و تمام کوشش خود را برای کمک به شما به کار می‌بریم.^{۴۴}

حسین شاه اردن در تماس تلفنی با صدام بار دیگر بر حمایت اردن از عراق تأکید کرد. تیپ زرهی ۱۹ اردن مرکب از حداقل ۴۰ تانک که در مرکز اردن - عراق مستقر بود برای کمک به نیروی زمینی عراق وارد خاک این کشور شد.^{۴۵}

وزیر جنگ آمریکا در مصاحبه‌ای گفت: واشنگتن آماده است برای تأمین منافع خود در خاورمیانه به هر اقدامی از جمله عملیات نظامی دست بزند.^{۴۶}

انور سادات به آمریکا پیشنهاد کرد در صورت لزوم می‌تواند از پایگاههای نظامی

مصر استفاده کند. ۴۷

ملك حسن پادشاه مغرب پشتیبانی معنوی
و مادی و نظامی خود از عراق را به اطلاع
سفیر عراق در مغرب رساند. ۴۸

انور سادات: جنگ ایران و عراق بهترین
فرصت را برای سرنگون کردن رژیم غیر
مستول خمینی در اختیار ارتش ایران قرار
داده است. ۴۹

به دنبال اردن قطر و کویت، عربستان
سعودی، مغرب، یمن شمالی و موریتانی از
عراق پشتیبانی کردند. ۵۰

نخست وزیر اسرائیل: آمریکا نمی تواند در
جنگ ایران و عراق بی تفاوت و بی طرف باقی
بماند و باید امکانات خود را بر علیه
مسلمانان منطقه خصوصاً ایران به کار
ببندد. ۵۱

دو هفته پس از تهاجم عراق، دیگر آن
شعارهای بعثی ها برای نابودی برق آسای
توان نظامی کشور متوقف شد و نیروهای بعث
در همه مناطق زمینگیر شدند.

خبرگزاری رویترز: دیپلماتهای خارجی در
تهران معتقدند هدف اعلام نشده عراق در
جنگ، سقوط حکومت جمهوری اسلامی
ایران و تصرف منطقه نفتی خوزستان بوده
است. هدف درازمدت عراق برقراری
حاکمیت در خلیج فارس به دنبال برکناری



دولت انقلابی ایران بوده است. اما پس از دوازده روز جنگ و در گل ماندن ارتش عراق در خوزستان، ایلام و کرمانشاه احتمال به دست آوردن این اهداف بعید به نظر می‌رسد. رژیم ایران نه تنها ضعیف نشده، بلکه سیاستمداران اختلافات خود را کنار گذاشته‌اند و نیروهای مسلح اکنون امکان نشان دادن استعدادهای خود را در جنگ پیدا کرده‌اند.^{۵۲}

تلاش در جهت سازش

بدنبال دفاع شرافتمندانه انقلاب اسلامی از تمامیت انقلاب کشور و بخصوص ضربات نخست نیروهای هوایی به تأسیسات زیربنایی دشمن، استکبار جهانی که متوجه درماندگی و ذلت رژیم بعث عراق شده بود، در یک تصمیم هماهنگ با پیشنهاد آتش بس تصمیم گرفت انقلاب اسلامی را به سازش بکشاند.

آگاهان به مسایل سیاسی می‌دانند که سرانجام درگیری بین دو کشور متخاصم، آتش بس است. ولی آتش بس زمانی قابل قبول و پایدار است که اولاً دشمن به مرزهای شناخته شده بین‌المللی برگردد. ثانیاً بمنظور جلوگیری از تکرار تخاصم و تهاجم، باید متجاوز معرفی و تنبیه شود.



تنبیه در عرف بین‌المللی هم معنی خود را دارد. میزان تنبیه مهم نیست. همین قدر که متجاوز معرفی شود و جامعه بین‌الملل متوجه شوند که فلان کشور و یا فلان زمامدار متجاوز است برای جلوگیری از تجاوز مجدد، محدود و محذور می‌شود.

علل عدم پذیرش آتش بس از سوی امام
متأسفانه در پیشنهاد آتش بس، تنها چیزی که به آن توجه نشده بود، موضوع بسیار مهم عقب‌نشینی بود.

پیدا است آمریکا که به منظور شکست انقلاب اسلامی صدام را به جنگ با جمهوری اسلامی تحریک کرده بود، نمی‌خواست بدون رسیدن به اهداف استراتژیک خود به جنگ خاتمه دهد. هدف آمریکا از پیشنهاد آتش بس بدون عقب‌نشینی عراق، درماندگی و ذلت و زبونی ایران اسلامی بود. درماندگی ایران اسلامی در آغاز راه طولانی و دشوار، یعنی انقلاب اسلامی با آن همه ادعا و شعار و امید و آرزو و اهداف الهی و آسمانی را در پیچ و خم آتش بس ناخواسته اندازند و از دور، مقامات کشور را مسخره کنند و از ساده لوحی انقلاب بخندند.

بلایی با پذیرش آتش بس بر سر انقلاب

می آمد که از نفس جنگ و صدمات و خسارات جنگ، بمراتب تلخ تر، زیانبارتر بود و ذلت آن پایدارتر می شد.

اهداف استکبار از آتش بس

اگر انقلاب اسلامی با بودن ارتش تجاوزگر بعث عراق، در خاک کشورمان، پیشنهاد آتش بس را می پذیرفت، مشکلاتی گریبانگیرش می شد که رهایی از آن بهیچوجه میسر نبود. زیرا:

۱. عراق در خاک کشور، ماندگار می شد و با هیچ مذاکره ای حاضر به عقب نشینی نمی شد.

۲. ایران درگیر و دار مذاکرات بی حاصل مستقیم و یا غیر مستقیم با رژیم بعث، سرخورده و درمانده می شد و راه به جایی نمی برد.

۳. ایران اسلامی برای بیرون راندن عراق به سازماندهی بین المللی متوسل می شد.

سازمانهایی که اغلب مستقیم و یا غیر مستقیم توسط آمریکا اداره می شدند. در آن شرایط آمریکا نقطه نظرات خود را به ایران تحمیل می کرد.

۴. بعد از آقامحمدخان قاجار، در هفت جنگ محدود و یا گسترده ای که ایران با کشورهای اطراف خود داشت قسمتهایی از

خاک کشورمان برای همیشه از خاک اصلی جدا شد. در صورت پذیرش آتش بس، عراق برای همیشه در اراضی اشغالی ماندگار می گشت و این ننگ ابدی بر تارک انقلاب اسلامی بعنوان نماد ساده لوحی و بی کفایتی باقی می ماند.

۵. چون در پیشنهاد آتش بس موضوع معرفی آغازگر جنگ و تنبیه متجاوز نیامده بود عراق پس از آتش بس به صورت مستمر و دائم به مناطق مختلف کشورمان حمله می کرد. تداوم این حملات موجب خشم مردم می شد. عکس العمل طبیعی جمهوری اسلامی پاسخ به این تجاوزات دائمی و شروع جنگ ناخواسته دیگری بود. و جنگ و تجاوز و آتش بس و گرفتن بخش دیگری از خاک کشورمان ... و این حرکت ادامه داشت. درست همانگونه که در جنگهای ویرانگر

بین ایران و روس پیش آمد و منجر به انعقاد دو قرارداد ننگین گلستان ۱۲۲۸ هجری و ترکمانچای ۱۲۴۳ هجری قمری گردید. مجموع اراضی که ضمن این دو قرارداد از خاک کشورمان جدا شد و به تصرف روسها درآمد، شامل کشورهای آذربایجان و ارمنستان و بخش اعظم گرجستان و منطقه خودمختار نخجوان امروزی می شود.

۶. در صورت پذیرش آتش بس در آن حال



و هوا، عناصر فراری و خودفروخته و وابسته، بهانه خوبی به دست می‌آوردند و مسئولان کشور را مانند فتحعلیشاه و شاه سلطان حسین معرفی می‌کردند. این تبلیغات بر روی مردم ایران می‌توانست مؤثر واقع شود و تمامیت انقلاب را با خطر شکست روبرو سازد.

۷. اگر در جنگ با عراق کوتاه می‌آمدیم و آتش بس نیم بند و تحمیلی و خوار کننده را می‌پذیرفتیم چندی بعد، استکبار دولت دیگری را به جنگ با ما تحریک می‌کرد و قس علیهذا.

۸. عناصر انقلابی، نیروهای بسیجی، مردم متعهد و پاکباز، خانواده‌های معظم شهدا مجروحین و جانبازان از پایان خفت بار جنگ به خشم می‌آمدند و مجموعه عناصری که آتش بس را پذیرفته بودند را به عنوان خیانتکار می‌شناختند. طرفداران و مخالفین آتش بس به جان هم می‌افتادند. و جنگ داخلی انقلاب را تهدید می‌کرد.

۹. رزمندگان و مجموعه عوامل و عناصر دست اندرکار جنگ از آتش بس مایوس می‌شدند و دیگر اگر جنگی در می‌گرفت در هیچکس رغبت و شوق دفاع نمی‌ماند.

۱۰. پذیرش آتش بس موقعیت استثنایی حضرت امام را به خطر می‌انداخت. امام



مظهر قدرت مردم و عمود خیمه انقلاب و نقطه اتکاء عموم و خلاصه عامل عزت، استقلال، عظمت و سربلندی مردم بود اگر به ساحت مقدس امام لطمه‌ای وارد می‌شد، این خطر از همه خطرات دهگانه فوق مهیب‌تر و غیرقابل قبول‌تر بود.

توطئه آتش بس

کورت والدهایم دبیر کل سازمان ملل از طیب سلیم رئیس شورای امنیت سازمان ملل خواست تا جلسه فوق‌العاده این شورا را در مورد نبرد ایران و عراق، تشکیل دهد. وی بالا گرفتن نبرد ایران و عراق را تهدید بالقوه شدیدی نسبت به صلح و امنیت جهانی توصیف کرد و از ایران و عراق خواست دستور آتش بس را صادر کنند.^{۵۳}

با گسترش ابعاد جنگ ایران و عراق، مجامع بین‌المللی، از جمله شورای امنیت، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کشورهای ۹ گانه بازار مشترک اروپا، کشورهای آمریکا، شوروی، ژاپن و تعداد بسیاری از کشورهای بی‌طرف و مسلمان خواهان آتش بس میان ایران و عراق شدند.^{۵۴}

مجامع و کشورهای مختلف از جمله کنفرانس اسلامی و سران چند کشور مسلمان با فرستادن نمایندگان خود به تهران خواستار

آتش بس در جنگ شدند.

حضرت امام خمینی طی پیامی فرمودند:
حضرات آقایان در هر نقطه‌ای که هستید،
مردم را برای جنگ و درگیری با آمریکا و
اذناب خونخوارش چون عراق آماده کنید که
جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و
دین ما در گرو همین مبارزات است... امروز
روزی است که تمام مردم باید از شهرهای
خود دفاع کنند و به شهرهای جنگ زده کمک
نمایند.^{۵۵}

صدام در پذیرفتن پیشنهاد آتش بس
صداقت نداشت و سران، رهبران نمایندگان
کشورها و سازمانهای بین‌المللی که به تهران
برای تشریح طرح آتش بس می‌آمدند حرف
جدیدی برای گفتن نداشتند. وقتی از بعضی
از رؤسای هیأتها سؤال می‌شد در صورتی که
ما آتش بس را بپذیریم با چه تمهیدی عراق به
مرزهای بین‌المللی عقب نشینی خواهد کرد؟
هیچکدام از آنها پاسخی نداشتند و اغلب
ساکت می‌شدند و یا می‌گفتند اینها را پس از
آتش بس به بحث می‌گذاریم!!!

پذیرش آتش بس توسط عراق

صدام به منظور فریب کشورمان از صلح و
آتش بس دم می‌زد اما هیچگونه صداقتی در
این ادعا نداشت ولی با همه این اوضاع و
احوال، عراق پیشنهاد آتش بس را پذیرفت و
وزیر خارجه عراق سعدون حمادی اعلام
کرد: عراق از پیشنهاد میانجی‌گری در دو
سطح منطقه‌ای و بین‌المللی استقبال
می‌کند.^{۵۶} ولی وزیر دفاع عراق اهداف عراق
را در جنگ تحمیلی آشکار کرد و همان روز
گفت:

ادامه جنگ
یاسر عرفات، ژنرال ضیاء الحق رئیس
جمهوری پاکستان و حبیب شطی دبیرکل
کنفرانس اسلامی در ششمین روز جنگ برای
تشریح آتش بس به ایران آمدند و با مسئولان
کشورمان ملاقات کردند و درباره پیشنهاد
آتش بس مذاکراتی داشتند.
عمده مذاکرات این مقامات با مسئولان
کشورمان، آتش بس بود. همین، بدون آنکه
هیچ راه کاری برای عقب نشینی عراق از
اراضی اشغالی کشورمان ارائه دهند.

آقای هاشمی رفسنجانی در مجلس گفت:
ما جنگ را شروع نکرده‌ایم که پیشنهاد آتش
بس یا چیز دیگری از این قبیل بدهیم یا

عراق خواستار بازپس گرفتن اراضی مرزی
و کنترل شط العرب است و تا ایران به
خواسته‌های بر حق ما پاسخ مثبت ندهد، به
جنگ ادامه خواهیم داد.^{۵۷}



بگیریم. این عراق بود که تجاوز کرده و اولین کاری که باید بشود این است که رفع تجاوز بشود و آنها از تجاوزشان دست بردارند.^{۵۸}

رئیس مجلس گفت: دنیا بداند که رژیم عراق پای بند هیچ يك از اصول بین‌المللی نیست و موازین جنگی را مراعات نمی‌کند. علاوه بر اینکه اصل اقدام آنان تجاوز بی‌دلیل به ایران است و در عین حال با وقاحت تمام می‌خواهند بگویند جنگ را ما آغاز کرده‌ایم در حالی که دنیا فهمیده که ایران شروع‌کننده جنگ نبوده است.^{۵۹}

امام خمینی طی پیامی، ضمن تقدیر و تشکر از نیروهای مسلح و مردم مقاوم کشورمان اعلام کردند: صدام نمی‌تواند با يك ملت طرف بشود. ملت عراق می‌داند که این [صدام] با ملت عراق دارد چه می‌کند و چه کرده است تا بحال اگر این خبیث دستش برسد تمام آثار اسلام را در عراق از بین خواهد برد. تمام مساجد را از بین خواهد برد... قوای انتظامی و نظامی و سپاه پاسداران، مجهز به قوه الهی هستند سلاحشان الله اکبر است و هیچ سلاحی در عالم مقابل همچو سلاحی نیست. ملت ما هم همین‌طور است.^{۶۰}

حضرت امام در همان روز طی نقطی فرمودند: امروز، روزی است که ملت ما باید

دست در دست سپاه و ارتش نجیب و دلیر گذاشته و به دشمنان بفهمانند که بر فرض محال اگر وارد شهری شدند، تازه با مردمی مسلح و جنگجو مواجه خواهند شد که از وجب به وجب شهرشان دفاع می‌نمایند.^{۶۱} این بیانات روحیه رزمندگان ما را در جبهه‌ها چند برابر کرد و مقاومت آنها را بالا برد.

مقامات و شخصیتها و مسئولان کشورمان به کرات از مواضع ثابت و مشخص کشورمان سخن گفتند و آن اینکه:

۱. عراق هرچه زودتر به مرزهای بین‌المللی برگردد.

۲. متجاوز معرفی و تنبیه شود.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸

همانگونه که گفتیم استکبار جهانی به منظور نابودی انقلاب اسلامی، صدام را واداشت تا در يك جنگ فرسایشی انقلاب را از پای درآورد و یا حداقل با اشغال مناطق استراتژیک، ما را به يك کشور ضعیف، محتاج، و پر آشوب و پر حادثه تبدیل کند تا دیگر انقلاب اسلامی نه جاذبه داشته باشد و نه طرفدار. هیچ يك از قدرتها و ابرقدرتها حاضر نشدند صدام را به خاطر شروع جنگ و ادامه آن و اشغال خاک کشورمان محکوم



کنند. هیچکدام!!

سرانجام صدام را که نتوانسته بود اهداف استکبار را که نابودی انقلاب اسلامی بود محقق سازد، ضمناً خود عراق به صورت مهمترین زرادخانه خاورمیانه درآمده بود و خطری برای منافع غرب بود، بار دیگر وادار کردند تا به کویت حمله کند و کویت را به اشغال درآورد.

صدام دومین اشتباه بزرگ خود را با اشغال کویت مرتکب شد. آنگاه قوای آمریکا و اروپا و کشورهای عربی بر سر صدام ریختند و ضمن کشتن تعداد کثیری از قوای عراق که کارشناسان تا ۴۰۰ هزار نفر تخمین می‌زنند شکست وحشتناکی را بر صدام وارد آوردند زیرا

اولاً: صدام را با ذلت و زبونی از کویت بیرون کردند.

ثانیاً: ساز و برگ نظامی عراق را نابود کردند.

ثالثاً: عراق را در محاصره اقتصادی و نظامی قرار دادند.

رابعاً: هر روز برای تحقیر بیشتر صدام هواپیماهای آمریکایی و انگلیسی به بهانه کنترل عراق، به حریم هوایی عراق نفوذ می‌کنند و ضمن بمباران تأسیسات عراق، تعدادی را می‌کشند و تعدادی را هم مجروح



می‌کنند.

صدام به صورت مهره سوخته‌ای در سال ۱۳۶۷ درآمده بود. در منطقه هم شرایط تغییر کرد. مقاومت ما در پذیرفتن آتش بس تحمیلی هم بتدریج برای دنیا جا افتاد. سرانجام شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۵۹۸ را به تصویب رساند. در این قطعنامه علاوه بر ضرورت عقب‌نشینی عراق از سرزمینهای کشورمان، صدام را به عنوان آغازگر جنگ معرفی کرده بود.

ما که از آخر جنگ دنبال چنین فرصتی بودیم در بیست و هفتم تیرماه ۶۷ قطعنامه را پذیرفتیم و مراتب را رسماً به اطلاع «خاویر پرز دو کوئیار» دبیرکل سازمان ملل رساندیم. عراق از اراضی اشغالی خارج شد و اسرای دو کشور مبادله شدند و جنگ ۸ ساله رسماً پایان یافت.

نکته قابل توجه اینکه در طول جنگ نه در شرایطی که ما بعد از عملیات «فتح المبین» و «طریق القدس» «بیت المقدس» و «الفجر ۸» که در شرایط ممتاز بودیم و ابتکار عمل در دست ما بود و نه آن هنگام که در جبهه‌ها سکوت و رکود وجود داشت و نه مواقعی که موقتاً رژیم عراق ابتکار عمل را در جبهه‌ها بعهدده داشت، از ناحیه هیچ یک از قدرتها و ابرقدرتها چه آشکارا و چه پنهانی پیشنهادی



به ایران برای پذیرش آتش بس که مستلزم عقب‌نشینی عراق بود نشد. اسناد رسمی گواه این ادعاست.

همچنین در طول هشت سال جنگ، از ناحیه کشورهای منطقه و خارج از منطقه هیچ نوع پیشنهاد کمک اقتصادی در صورت پذیرفتن آتش بس، نشد. در هیچ مقطعی از سالهای طولانی جنگ چه به صورت رسمی و یا غیر رسمی پیشنهاد هیچگونه مساعدت و مساعدتی بما از ناحیه هیچ کشوری نگردید. این مطلب ادعا نیست. اینجانب که دهسال بعنوان قائم مقام وزارت امور خارجه انجام وظیفه کرده‌ام و به صد کشور جهان مسافرت داشتم این مطلب را اظهار می‌کنم.

قابل توجه اینکه در اثنای جنگ به کرات به کشورهای همسایه و منطقه مسافرت داشتم و با سران و رهبران عرب خلیج فارس روابط صمیمانه و دوستانه برقرار کردیم این روابط هنوز هم ادامه دارد.

مذاکرات دشوار با عراق

در جهت اجرای بندهای قطعنامه ۵۹۸ مذاکرات طولانی، خسته کننده و دشواری با عراقی‌ها داشتیم. عراق اصلاً از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران خوشحال نبود. صدام بسیار امیدوار بود بخشی از امیال

شیطانی و غیر مشروعی که در جنگ نتوانسته بود به آنها دست یابد، در مذاکرات به دست آورد. این نقشه صدام هم مانند دیگر دسایس استکبار، با عنایات الهی و با حمایت حضرت امام و دقت و تیزهوشی مسئولان مذاکره کننده، خنثی شد.

از لحن مقامات عراقی در مذاکرات و ادعاها و طرحها و پیشنهادهای آنها بخوبی ناکامی حزب بعث و اربابانش را در تحمیل جنگ بر کشورمان متوجه شدیم و بیشتر به انکار آنها در مورد جمهوری اسلامی پی بردیم. نکته دیگری که در مذاکرات با عراقی ها به دست آمد اینکه صدام هیچگاه همسایه خوبی برای ما نبوده و نیست و نخواهد بود.

مواضع حضرت امام خمینی در دفاع مقدس

موضعگیری حضرت امام پیوسته منطبق بر عقل و تدبیر و مبتنی بر قوانین و مقررات بود. حضرت امام بیش از هرکس دیگری از قانون حرف زدند و در قانونی کردن امور تدبیر نمودند و همگان عموماً و شخصیتها و مسئولین بخصوص را، به قانونمداری و پایبندی به قانون توصیه فرمودند.

مواضع امام در طول جنگ تحمیلی هم از

این قاعده مستثنی نبود. برای تبیین مواضع حضرت امام در دوران جنگ، نخست به مسأله دفاع مشروع را از نظر حقوق بین الملل می پردازیم. میثاق جامعه ملل، اهمیت فوق العاده ای به مسأله امنیت بین المللی هریک از دول عضو آن جامعه مبذول نمود و مقرر داشت که امنیت و تمامیت هر کشور عضو باید بوسیله سایر اعضاء تضمین گردد و در تعقیب همین هدف، پاراگراف ۱، ده ۱۱ میثاق چنین مقرر می دارد.

" Toute youerre ou menace deguerre uelle fecte derectement ou non Lun des membres de Lasociete la toute entiere ety ue celleci doit Prendre les mesures a Sawvegarder efficaceunet la Paix des natuans".

هرجنگ یا تهدید به جنگ که مستقیم یا غیر مستقیم یکی از اعضاء جامعه را در برگیرد مربوط به کل جامعه بوده و جامعه باید تصمیمات مؤثری جهت حفظ صلح ملل اتخاذ نماید. ماده ۱۰ میثاق جامعه ملل هر نوع تجاوز خارجی را علیه تمامیت ارضی و یا استقلال سیاسی اعضاء جامعه بطور مطلق ممنوع نموده است. مسلم است که با این قید صریح راجع به ممنوعیت مطلق تجاوز



خارجی، در قبال آن مسأله دفاع مشروع را مطرح نموده و مشروعیت آن را برسمیت شناخته است و در این صورت فرقی نمی‌کند که عمل بصورت دفاعی یا تهاجمی تحقق پذیرد.^{۶۲}

بعلاوه در قالب کلی مقررات و موازین جامعه ملل حق دفاع مشروع به دفعات تأیید گردیده است. بعنوان مثال ماده ۲ پیمان زمان «Pacte rhenan» که از طرفی آسمان و از طرف دیگر فرانسه و بلژیک را بطور دوجانبه متعهد به عدم توسل به هر نوع حمله یا یورش کرده و آورده است.

NePas Seliver de Part et dautre a aucune attague au invasion.

می‌نماید معذالك نسبت به این ممنوعیت مطلق سه استثناء منجمله حق دفاع مشروع قائل می‌شود.

در جریان مذاکرات و مباحث مقدماتی که منجر به انعقاد معاهده پاریس شد و نیز بهنگام تصویب معاهده مزبور، حق دفاع مشروع به کرات مورد تأیید واقع شد.

در حقوق جامعه ملل با صراحت آمده است.

هر ملتی آزاد است در هر لحظه در مقابل



يك حمله يا اشغال و تهاجم حتی بدون توجه به مقررات و عهدنامه‌ها از سرزمین خود دفاع نماید و تنها خودش صالح است بر اینکه تشخیص دهد که آیا شرایط توسل به جنگ دفاع شروع را ایجاب می‌نماید یا خیر...^{۶۳}

پس از توجه به موارد حقوقی فوق، به اهداف عراق و حامیانش از تحمیل جنگ به اختصار اشاره می‌کنیم:

طه یاسین رمضان معاون اول نخست وزیر و فرمانده باصطلاح ارتش خلق در مصاحبه اختصاصی با روزنامه الشوره ارگان رسمی حزب بعث در ژانویه ۱۹۸۲ (دیماه ۱۳۶۰) گفت:

«ما به این نکته تأکید می‌کنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید مگر اینکه رژیم حاکم بر ایران بطور کلی منهدم شود زیرا اختلافات اساسی بر سر چند صد کیلومتر مربع زمین یا نصف شط العرب که سبب بروز جنگ شده بود نیست بنابراین جنگ ما با ایران برخلاف آنچه بعضی از خائنین به ملت عرب ادعا می‌کنند يك جنگ مرزی نیست که بتوان آنرا به تعویق انداخت بلکه در حقیقت جنگ سرنوشت است.»

با این صراحت و گستاخی که در موضع‌گیریها و سخنان سران حزب بعث از تحمیل جنگ بر ایران اسلامی وجود داشت

ما می توانستیم چند نوع موضع گیری داشته باشیم:

۱. ما نیز بمانند شاه سلطان حسین صفوی می نشستیم تا حکام خائن عراق هر بلایی بر سر ملت و کشورمان بیاورند آنگاه کلید پایتخت را به صدام می دادیم و برای بقای عمر او دعا می کردیم. هیئات منا الذلّه. این برای نظام ما محال بود.

۲. یا می نشستیم و در انتظار حمایت و مساعدت سازمان ملل و اعضای دایم شورای امنیت می ماندیم تا آنها دفع تجاوز کنند و صدام را بر سرچایش بنشانند. این هم از دید ما محال بود زیرا قدرتها و کشورهای عضو دائم شورای امنیت هم صدام را به تجاوز به کشور ما وادار کردند و هم از او حمایت نمودند و سلاحهای پیشرفته در اختیارش گذاشتند و حتی کشورهای دیگر را واداشتند که با سرباز و هم با امکانات و تجهیزات و بودجه از صدام حمایت کنند.

۳. دفاع مقدس. راه سوم و راه منحصر به فردی که برای ما می ماند دفاع شرافتمندانه بود. ما چاره ای جز دفاع از نظام نوپای اسلامی و دفاع از تمامیت ارضی خود نداشتیم.

عقل و شرع و عرف ما را وادار می کرد که مردانه در میدان رزم حضور یابیم و جانانه از

شرف و حیثیت خود دفاع کنیم و شاخ استکبار را نه در قول بلکه در عمل بشکنیم، تا دیگر استکبار، را از جنگ نترساند و کاربرد سلاحهای فوق مدرن در جبهه فکری انقلاب اسلامی بی تأثیر گردد و ملت آزاده ایران بحول و قوه الهی سربلندتر و سرفرازتر گردد.

دفاع مشروع از دیدگاه حضرت امام

همانگونه که گفتیم دفاع وظیفه همه است. دفاع با تهاجم به مواضع کشورها و ورود به خاک دیگران قابل قبول نیست مگر آنکه برای دفاع باشد. این موضوعی است که دنیا آنرا پذیرفته است. اسلام حق دفاع را مشروع دانسته و حتی دفاع را واجب کرده است.

علامه می فرماید: اما الدفاع وَجِبْ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ مِنْ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ مَمْلِكَتِهِ
قرآن کریم صریحاً می گوید وَ مَالِكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا...^{۶۴}
و یا در جای دیگر می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَاءً
كَأَنَّهُمْ بُيُوتٌ مَرْصُوعَةٌ^{۶۵}

خداوندگار رزمندگان را دوست دارد. همانهایی که پایدار و مقاوم چون کوه استوارند. کتب



روایی مشحون از احادیث و روایات محکم و متواتری است که مسلمین را در پاسداری و حراست از دین و از قلمرو اسلامی دعوت می‌کند.

رفتار پیامبر آسمانی اسلام در دفاع از اسلام و مسلمین نیز گواه محکمی بر اهمیت دفاع در اسلام است. همان پیامبری که رفتارش برای مسلمین تسا قیامت سرمشق است. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ^{۶۶} در حیات پربارشان ۸۴ جنگ واقع شد که شخص ایشان در بیش از بیست جنگ شرکت داشتند.^{۶۷}

از دیدگاه حضرت امام صدام به نیابت آمریکا با ما جنگید

«... شما خیال می‌کنید که اگر در زمان سابق يك همچو جنگی پیش می‌آمد. وضع ایران این نحو بود که مردم بایستند و در جبهه و پشت جبهه بایستند و اینطور تو دهنی بزند به آمریکا؟ صدام که قابل آدم نیست، این تو دهنی به آمریکاست که قلاده را از سر این برداشت و اغوا کرد این بدبخت (صدام) را و او را به این حال رساند. امروز روزی است که مردم ما از جنگ نمی‌ترسند...»^{۶۸}

«... الان مسأله بزرگ، جنگ است که مشاهده می‌کنید که تقریباً در اکثر جبهه‌ها

مشغول آن هستیم و باید الآن تمام کوششمان را به کار بیندازیم که این جنگ را به پیروزی برسانیم. که اگر خدای نخواستہ این جنگ به پیروزی نرسد و شکستی پیش آید خیال نکنید که این شکست برای ایران است بلکه برای همه مستضعفان جهان واقع می‌شود. الان چشمهای همه مردم دنیا به ایران دوخته شده که در جنگ چه می‌کند... شما می‌دانید که اگر خدای نخواستہ، صدام پیروز بشود با اهل این کشور چه خواهد کرد...»^{۶۹}

... مدعیان صلح طلبی و انساندوستی با تمام توان سعی در افروختن آتش فتنه و جنگ در همه جا بخصوص در ایران می‌نمایند و با اسلحه‌های کشنده و بمبهای آتشزا و شیمیایی به دشمنان اسلام کمکهای بیدریغ می‌کنند. سازمانهای به اصطلاح «حقوق بشر» و «شورای امنیت» و عضو بین‌الملل و دیگران هم خود را صرف محکوم نمودن اسلام و ایران نموده‌اند...»^{۷۰}

دفاع تا آخرین روزهای زندگی

در سال نهم هجرت وقتی خبر آمادگی رومیان برای حمله به سرزمین حجاز در مدینه انتشار یافت پیامبر شخصاً با سی هزار تن عازم «تبوک» گردید.^{۷۱}

پیامبر حتی در آخرین روزهای حیات



خویش نیز از جنگ و دفاع غافل نبودند لذا سپاهی منظم از مهاجر و انصار که در آن افراد سرشناس مانند ابوبکر و عمر و ابی عبیده و سعد وقاص شرکت داشتند ترتیب داد همچنین دستور داد آن گروه از مهاجران که پیش از دیگران به مدینه هجرت کرده بودند، همگی در این نبرد شرکت کنند.^{۷۲}

این فرمان را پیامبر در بستر بیماری که منجر به ارتحال ایشان گردید صادر فرمودند و این نقش تعیین کننده جنگ را برای حفظ حیثیت اسلام و تمامیت ارضی مسلمین، نشان می دهد.

حضرت امام به مسایل مربوط به مسلمین اهتمام ویژه داشتند. از آنجائیکه استکبار جهانی و در رأس آنها آمریکا را بخوبی می شناختند در دفاع از کشور لحظه ای تردید بخود راه ندادند. هیچکس از مقامات و مسئولین به اندازه حضرت امام، استکبار جهانی و آمریکا و اسرائیل را شناخت و از توطئه آنها بیشتر از امام آگاه نبود و برای خنثی کردن ترفندهای استکبار هیچکس به اندازه حضرت امام تلاش نکرد و اهتمام نورزید.

براستی اگر این اهتمام امام در دفاع نبود و اگر اینهمه تعصب فرزندان حضرت امام در جنگ و جبهه و پشت جبهه و حمایت همه جانبه از رزمندگان اسلام نبود، شیعه هم

□ دیپلماتهای خارجی در تهران معتقدند هدف اعلام نشده عراق در جنگ، سقوط حکومت جمهوری اسلامی ایران و تصرف منطقه نفتی خوزستان بوده است

□ هیچک از قدرتها و ابرقدرتها حاضر نشدند صدام را بخاطر شروع جنگ و ادامه آن و اشغال خاک کشورمان محکوم کنند، هیچکدام!!



حکومت را از دست می داد هم کشور را و هم
آبرو را و هم امید به آینده را. آخر جمهوری
اسلامی از دید ما، ظرف حکومت جهانی
حضرت مهدی است. ان شاء الله

ضرورت دفاع از دیدگاه امام خمینی

امام می فرماید

... ما الان داریم دفاع می کنیم... ما اصلاً
جنگی نداریم. ما با کی جنگ داریم؟...
امروز همه ما مکلف هستیم. اشخاصی که
خوب متدین اند اما باز توجه ندارند به
مسائل. امروز همه ما مکلف هستیم.
جوانهای ما باید این جبهه ها را پر کنند... آقا
قضیه، قضیه از بین رفتن اسلام (است) چه
تشیع و چه تسنن...^{۷۳}

گروهی از مردم ساده لوح بودند که بدون
توجه به انگیزه استکبار از تحمیل جنگ
می گفتند بهتر است که ما آتش بس را
پذیریم و به جنگ خاتمه دهیم. بهانه آنها
هم کشته شدن جوانها بود. امام که دست
آشکار استکبار را که از آستین صدام بیرون
آمده بود می دیدند فرمودند:

آن کس که اشکال به جنگ دارد واجب
است برایش که برود جنگ. اینهایی که
اشکال می کنند یکیشان حتی يك بچه شان
نرفته است (به جبهه) يك جوانشان نرفته



است به جبهه ها. دیگران دارند از مال و جان
اینها دفاع می کنند. این جوانهای ما دارند از
مال و جان همه این ملت دفاع می کنند از
مال و جان يك دسته که نمی کنند دفاع، دارند
از همه حیثیت این ملت می کنند. از نوامیس
همه دفاع می کنند... اگر خدا نخواسته این
حزب بعث بیاید و غلبه خدا نخواسته بکند
که غلبه نخواهد کرد به کی رحم می کند؟...
مسأله رفتن و جنگ کردن نیست. کسی
نمی خواهد جنگ بکند. از او هم بنا نبوده...
امروز هم عین همان حرف است. يك کلمه
این ور و آن ور نیست آن این است که ما تا
این حرف عقلی هست جنگ خواهیم
کرد...^{۷۴}

بدیهی است وقتی رژیم بعث عراق
خواستار سرنگونی حکومت اسلامی است ما
نیز باید خواستار سرنگونی او شویم. با این
تفاوت که فکر شیطانی صدام مورد حمایت
جدی استکبار جهانی و عوامل منطقه ای و
ایادی داخلی آن بود اما اندیشه دفاع از
انقلاب اسلامی مربوط به ما و مردم ما بود اما
ما چاره ای نداشتیم جز اینکه خواستار
سرنگونی صدام گردیدیم. به چند دلیل:

۱. قرآن کریم می فرماید: فَمَنْ أَعْتَدِي
عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدِي عَلَيْكُمْ
آنگونه که دیگران به شما تعدی کردند شما

هم همانگونه با آنها برخورد کنید.^{۷۵}

۲. مقررات و قوانین بین‌الملل حق دفاع را همواره شروع دانسته و به کشورهای مورد تجاوز حق دفاع و حتی سرنگونی متجاوز را داده است.

۳. در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی شرایطی در کشور وجود داشت که هرکس طمع می‌کرد که با اسلام یا با تشیع و یا با مردم ایران و خاک ایران تسویه حساب کند. موضعی محکم و قاطع لازم بود تا همه کسانی که مانند صدام فکر می‌کردند ولی گستاخی صدام را نداشتند بدانند که جنگیدن با ایران اسلامی به نابودی متجاوز می‌انجامد.

۴. گروهها و گروهکهایی بودند که هوس حکومت در سر می‌پروراندند اما در دستان توانمند انقلاب اسلامی در اوایل انقلاب خرد و حل و سپس نابود شدند و به تاریخ پیوستند. این سرنوشت محتوم افرادی است که بیش از حد و ظرفیت خود توقع دارند.

حضرت امام با همین تحلیل جواب خردکننده به صدام دادند. این موضعگیری تا آخر برقرار ماند. آنهائیکه هوس شکست انقلاب اسلامی را داشتند و صدام را به جنگ با ایران تحریک کردند بیکباره صدام را در پرتگاه سقوط یافتند. تنها کاری که برای آنها

مانده بود حفظ و نجات صدام بود.

پذیرش آتش بس و قطعنامه ۵۹۸

مقاومت و پایمردی امام و رزمندگان اسلام موجب شد که جهان استکباری سخت به تکاپو افتاد. استکبار در دو جبهه نظامی و سیاسی فعال شد:

الف. در جبهه نظامی. با سقوط هوایمای مسافری ایرباس توسط ناو و وینسنس آمریکایی و بمباران گسترده سکوها و نفتکشها و دادن اطلاعات گسترده به ارتش بعث و حضور هیأت‌های آمریکایی در بغداد از جمله «مک مانسفیلد» وزیر دفاع فعلی آمریکا در بغداد جهت حمایت از صدام و دادن سلاحهای شیمیایی و غیره شرایط خاصی را در جبهه‌ها ایجاد کردند که کاملاً بی‌سابقه بود. در يك جمله آمریکا رسماً وارد جنگ شد و در جبهه‌ای طولانی به نبرد با ما پرداخت. چیزی که در هشت سال دفاع مقدس کاملاً بی‌سابقه بود.

ب. در جبهه سیاسی. پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ که با کمک و حمایت و مشاورت خود ما تهیه شد شرایط برای پایان جنگ؛ یقین صدام بعنوان متجاوز و آغازگر جنگ با بیرون رفتن ارتش بعث عراق از خاک کشورمان و پرداخت خسارت جنگ توسط



صدام تقریباً تمامی خواست ما در این قطعنامه گنجانده شده بود. ما نه تنها در آغاز جنگی را نمی‌خواستیم بلکه از ادامه آن خوشنود نبودیم و از طرفی تمامی دنیا پس از هشت سال به مواضع ما و حقانیت ما پی برده بود. شرایط برای پایان جنگ آماده بود. هرچند هنوز ریشه فساد با ابقای صدام وجود داشت که این امر برای حضرت امام و مردمان تلخ بود سرانجام حضرت امام با تلخی ولی با شجاعت قطعنامه را پذیرفتند و جنگ خاتمه یافت اما پذیرش قطعنامه بمثابة امضاء قرارداد صلح حدیبیه توسط پیامبر آسمانی اسلام بود که آن قرارداد فتح مکه را تسریع کرد. قطعنامه ۵۹۸ موجب آشکار شدن چهره زشت صدام شد و صدام با اشغال عراق به ذلت و زیونی بی‌سابقه‌ای مبتلا گشت.

تندتر شدن مواضع حضرت امام

پس از شرکت آمریکا در جنگ

ملت شهیدپرور ایران بدانند این روزها روز امتحان الهی است. روز پرخاش علیه کسانی است که با اسلام کینه دیرینه دارند. روز انتقام از کفر و نفاق است. روز فداکاری است امروز روز عاشورای حسینی است. امروز ایران کربلاست. حسینیان آماده باشید جَهْرُؤ

أَنْفُسَكُمْ بِالصَّلاَحِ وَالسَّلَاحِ نَهْرَاسِيدُ كَمْ نَمِي هْرَاسِيدُ. کمر بند هاتان را محکم کنید. ای آزادگان و احرار بپاخیزید. قدرتهای بزرگ شرق و غرب می‌خواهند شما را در زیر چکمه‌ها و چنگالهای کثیف و خونین خود خُرد کنند که حتی آخ هم نگوئید. امروز روز مقاومت است. چنان بر صدام و آمریکا و استکبار غرب سیلی زنید که برق آن چشمان استکبار شرق را کور کند. امروز روز درنگ نیست... روز جنگ است روز احقاق حق است و حق را باید گرفت و انتظار آنکه جهانخواران ما را یساری کنند بی‌حاصل است...^{۷۶}

مسئولین نظام باید تمامی هم خود را در خدمت جنگ صرف کنند. این روزها باید تلاش کنیم تا تحولی عظیم در تمامی مسایلی که مربوط به جنگ است به وجود آوریم. باید همه برای جنگی تمام عیار علیه آمریکا و اذناش به سوی جبهه رد کنیم. امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است. غفلت از مسایل جنگ، خیانت به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است. اینجانب جان ناقابل خود را به رزمندگان صحنه‌های نبرد تقدیم می‌نمایم. انفجار هواپیمای مسافری زنگ خطری است برای تمامی مسافرت‌های هوایی باید با تمام وجود تلاش



کنیم تا چنین صحنه‌های دردناکی پیش نیاید.^{۷۷}

امام راحل به رغم اینکه سعی داشتند در کشور آرامش باشد تا عقب ماندگی‌هاییکه از رژیم طاغوت برجای مانده بود را جبران کنند. دریغ و درد که استکبار جهانی با تحمیل جنگ، فرصتهای سازندگی و فرهنگی را از ما گرفت و انرژی و امکانات کشور ما را در جنگ و پشت جنگ به هدر داد. اما قصد آمریکا انتقام از اسلام بود. ولی امام بیدار و آگاه با فرمان بسیج عمومی در جنگ تحمیلی توطئه استکبار را خنثی کرد.

هرچند کشور ما در جنگ هشت ساله ۳۰۰ هزار شهید و بیش از یک میلیون مجروح داد و نزدیک به یک هزار میلیارد دلار خسارت اقتصادی (اعم از امکانات و خدمات و فرصتها) بر ما وارد آورد اما خیلی بیشتر از اینها رژیم عراق کشته داد. مجروحین عراقی و متحدینش چندین برابر مجروحین ما بود. و خسارتهای اقتصادی به عراق و کشورهای استکباری چندین برابر خسارات ما بود.

نکته مهمتر اینکه، استکبار می‌خواست با تحمیل جنگ انقلاب را بشکند اما انقلاب به فضل خداوند نیرومندتر شد. خواست صدای انقلاب را خفه کند. اما خدا چیز دیگری خواست. جنگ باعث رساتر شدن صدای

انقلاب شد. و استکبار می‌خواست با جنگ تحمیلی امید مستضعفان عالم را به نومیدی تبدیل کند ولی برعکس با پایداری فرزندان امام خمینی در جنگ هشت ساله، مستضعفان عالم امیدوار شدند بیدار تر گشتند و به پیروی از امام و فرزندان سلحشور امام روبروی استکبار ایستادند. شکست اسرائیل از حزب الله در جنوب لبنان و انتفاضه مسجدالاقصی و شکستهای پی در پی استکبار و سردرگمی و درماندگی صهیونیزم و خلاصه بیداری جهان اسلامی بخشی از دستاوردهای جنگ تحمیلی هشت ساله است.

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ
نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.^{۷۸}

ضمیمه

تتمه مقاله قدری طولانی شد اما دو نکته و دو موضوع بسیار مهم می‌ماند که باید مورد توجه دقیق قرار داد:

اولاً رژیم عراق از اوایل پیروزی انقلاب به تحریک گروهکهای مسلح محارب در خوزستان و سایر نقاط پرداخت و نیز قصد خود را از توطئه بر علیه ایران آشکارا بیان کرد از جمله وی در مصاحبه با روزنامه کویتی الانباء مورخ ۲۹/۱۰/۵۹ در پاسخ



خبرنگاری که پرسیده بود آیا عراق اعطای خودمختاری به اعراب منطقه خوزستان (نام مجعول عربستان بکار برد) را یکی از شرایط خاتمه جنگ می‌داند. صدام گفت: در ایران پنج ملیت مختلف وجود دارد که به آنها باید به نوعی از انواع خودمختاری داده شود. ما از برادران عرب خود در عربستان (خوزستان) دفاع می‌کنیم.

بخوبی روشن می‌شود که قصد صدام از آغاز جنگ تجزیه کشور حداقل به پنج قسمت بوده است.

ثانیاً. صدام از خیلی قبل با تهیه نقشه‌های جعلی ولی تحریک آمیز از مناطق مرزی و استانها و شهرهای خوزستان و تحریک سکنه این استان اهداف خود را نسبت به آینده این مناطق و تجزیه آنها آشکار ساخته است.

برای نمونه استان خوزستان را عربستان، اهواز را الاحواز، سوسنگرد را خفاجیه خرمشهر را محمره آبادان را عبادان... نگاشته و کل استان خوزستان را جزء عراق درآورده بود. يك نمونه از این نقشه‌ها که توسط رژیم عراق تهیه شده و حتی جزء کتابهای درسی آموزش و پرورش عراق درآورده بود پیوست است.



بی‌نوشتها:

۱. روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۶۶۵۲ شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۱

۲. قدرت و اصول نوشته برژینسکی ص ۴۸۳

۳. بخشی از سخنان جیمی کارتر در مصاحبه مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۷۸ قدرت و اصول اثر برژینسکی ص ۴۶۹

۴. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی ج ۱ ص ۶۲۵

۵. پیدایش نظام جدید ص ۵۷۲

۶. روزنامه اطلاعات ۱۵/۱/۵۸ ص ۲

۷. خبرگزاری عراق ۱۴/۱/۵۸

۸. خبرگزاری عراق ۱۴/۱/۵۸

۹. روزنامه اطلاعات ۱۴/۱/۵۸ ص ۲

۱۰. پیدایش نظام جدید ص ۳۵۴

۱۱. روزنامه کیهان ۲/۱۲/۵۷ ص ۴

۱۲. روزنامه کیهان ۲۶/۱/۵۸ ص ۴

۱۳. روزنامه کیهان ۲۴/۱۲/۵۸

۱۴. روزنامه اطلاعات ۲۴/۱۲/۵۷ ص ۱۰

۱۵. روزنامه کیهان ۲۴/۱۲/۵۷ ص ۲

۱۶. روزشمار جنگ ایران و عراق، زمینه‌سازی ج ۱، ص ۲۰۸

۱۷. روزنامه کیهان ۲۶/۱۲/۵۷ ص ۲

۱۸. روزنامه اطلاعات ۲۶/۱۲/۵۷

۱۹. روزنامه کیهان ۲۰/۱/۵۸ ص ۲

۲۰. روزنامه کیهان ۱۹/۱/۵۸ ص ۷

۲۱. روزنامه اطلاعات ۳/۲/۵۸ ص ۲

۲۲. نشریه ویژه خبرگزاری پاریس ۳/۲/۵۸ به نقل از خبرگزاری فرانسه

۲۳. روزنامه کیهان ۶/۲/۵۸ ص ۲

۲۴. پیدایش نظام جدید ج ۱ ص ۸۳۳

۲۵. کتاب شماره ۲۸ دانشجویان پیرو خط امام نشیه خط میانه ۴

۲۶. روزنامه جمهوری اسلامی ۲۵ خرداد ۱۳۸۱ ص ۱۵

۲۷. اساسنامه حزب بعث
 ۲۸. هجوم سراسری، کتاب چهارم ص ۱۸
 ۲۹. هجوم سراسری، تهاجم و پیشروی های عمده عراق
 ص ۱۹
 ۳۰ و ۳۱. هجوم سراسری کتاب چهارم ص ۲۰
 ۳۲. خبرگزاری پارس نشریه ویژه ۵۹/۷/۷ به نقل از
 خبرگزاری آسوشیتدپرس
 ۳۳. خبرگزاری پارس نشریه ویژه ۵۹/۷/۷
 ۳۴. روزنامه انقلاب اسلامی ۵۹/۷/۳ به نقل از
 خبرگزاری فرانسه
 ۳۵. جراید کشور ۵۹/۷/۳
 ۳۶. روزنامه اطلاعات ۵۹/۷/۸
 ۳۷. روزنامه کیهان یکشنبه ۵۹/۷/۱۳
 ۳۸. روزنامه کیهان شنبه ۵۹/۷/۱۲
 ۳۹. خبرگزاری رویتر، کیهان چهارشنبه ۵۹/۷/۱۶
 ۴۰. روزنامه کیهان ۵۹/۷/۱۷
 ۴۱. روزنامه کیهان ۵۹/۷/۱۹
 ۴۲. خبرگزاری یوتیدپرس ۵۹/۷/۸
 ۴۳. خبرگزاری پارس نشریه ویژه ۵۹/۷/۷ از رادیو
 آمریکا
 ۴۴. خبرگزاری پارس
 ۴۵. روزنامه انقلاب اسلامی ۵۹/۷/۷
 ۴۶. خبرگزاری پارس ۵۹/۷/۶
 ۴۷. روزنامه خبرگزاری پارس نشریه ویژه
 ۴۸. خبرگزاری پارس بولتن ویژه ۵۹/۷/۴
 ۴۹. خبرگزاری فرانسه ۵۹/۷/۴
 ۵۰. خبرگزاری پارس به نقل از رادیو مونت کارلو
 ۵۹/۷/۴
 ۵۱. خبرگزاری پارس بولتن ویژه ۵۹/۷/۴
 ۵۲. خبرگزاری پارس بولتن ویژه ۵۹/۷/۱۲
 ۵۳. روزنامه اطلاعات ۵۹/۷/۳ به نقل از خبرگزاری
 فرانسه
 ۵۴. خبرگزاری پارس نشریه ویژه ۵۹/۷/۴ به نقل از رادیو
- لندن.
 ۵۵. صحیفه نور ج ۱۳ ص ۹۸
 ۵۶. خبرگزاری پارس بولتن ویژه ۵۹/۷/۶
 ۵۷. روزنامه اطلاعات ۵۹/۷/۵ به نقل از خبرگزاری
 رویتر
 ۵۸. روزنامه جنگ جلد ۴ ص ۱۸۵
 ۵۹. کیهان ۵۹/۷/۵
 ۶۰. صحیفه امام ج ۱۳ ص ۲۳۵
 ۶۱. صحیفه امام ج ۳ ص ۲۴۴
 ۶۲. حقوق جامعه ملل ص ۱۱۰
 ۶۳. حقوق بین الملل ص ۱۱۲
 ۶۴. سوره نساء آیه ۷۵
 ۶۵. سوره صف آیه ۴
 ۶۶. سوره احزاب آیه ۲۱
 ۶۷. از ظهور اسلام تا سقوط بغداد
 ۶۸. صحیفه امام ج ۱۸ ص ۳۱
 ۶۹. صحیفه امام ج ۱۸ ص ۴۳
 ۷۰. صحیفه امام ج ۱۸ ص ۴۶۹
 ۷۱ و ۷۲. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام آیه الله جعفر
 سبحانی ص ۵۱۹
 ۷۳. صحیفه نور ج ۲۰ ص ۲۵
 ۷۴. صحیفه نور ج ۲ ص ۲۶
 ۷۵. قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۹۴
 ۷۶. صحیفه امام ج ۲۱ صص ۱۱ و ۱۲
 ۷۷. صحیفه امام ج ۲۱، صص ۶۹ و ۷۰
 ۷۸. سوره صف آیه ۹